

مجموعه کتاب‌های
فرهنگ
آشور

فرهنگ و برنامه‌ریزی

سیمون آبرام
ترجمه محمد خانی

فرهنگ و برنامه ریزی

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

سرشناسه	:	آبرام، سیمون
سرشناسه	:	Abram, Simone
عنوان و نام پدیدآور	:	فرهنگ و برنامه‌ریزی / سیمون آبرام؛ ترجمه محمد خانی.
مشخصات نشر	:	تهران: تیسرا، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۳۹۹ ص؛ جدول، نمودار؛ ۲۱×۱۴/۵.
فروست	:	نگاشت شهر؛ ۵۰.
فروست	:	فرهنگ و اجتماع؛ ۲۶.
شابک	:	۱۵۰۰۰۰ ریال؛ 8-71-6662-600-978
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	کتاب حاضر از سایت‌های مختلف گردآوری و ترجمه شده است.
یادداشت	:	عنوان اصلی: Culture and Planing, 2011
یادداشت	:	واژه‌نامه.
یادداشت	:	نمایه.
موضوع	:	فرهنگ - نمونه پژوهی
موضوع	:	برنامه‌ریزی اجتماعی - نمونه پژوهی
شناسه افزوده	:	فاضلی، نعمت‌الله، ۱۳۴۳ - ، دبیر علمی مجموعه «فرهنگ و شهر»
شناسه افزوده	:	خانی، محمد، ۱۳۵۷ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۹۲ ف ۴ / ۱۲ / ۶۲۱ HM
رده‌بندی دیویی	:	۳۰۷/۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۱۷۸۶۴۱

فرهنگ و برنامه ریزی

سیمون آبرام

ترجمه محمد خانی



انتشارات تیسرا

فرهنگ و برنامه‌ریزی

نویسنده: سیمون أبرام؛ ترجمه محمد خانی
دبیر مجموعه «فرهنگ و شهر»: دکتر نعمت‌الله فاضلی
مدیر تولید: سید محمدرضا بهلول
چاپ اول، تابستان ۱۳۹۲
شماره نشر: ۶۰

سرپرستار: معصومه ارچندانی؛ ویراستاران: نوشین استادمحمدی، زهرا اصلانی، سارا یوسفی
نمونه‌خوانی: زهرا ژبانی

لیتوگرافی: کارآ، چاپ: دالاهو، صحافی: کیمیا
ناظر فنی چاپ: مصطفی شریفی
تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۶۲-۷۱-۸

همه حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است
استفاده از مطالب با ذکر منبع بلااشکال است

انتشارات تیسسا

تهران، میدان بهارستان، خیابان ظهیرالاسلام، کوچه دیلمان، پلاک ۶، واحد ۳. تلفن: ۳۳۹۹۹۴۲۳، ۳۳۹۹۲۴۷۰

www.Teesa.ir

iTeesa@mail.com

تقدیم به
بیتا
به خاطر همه چیز

فهرست

پیشگفتار.....	۱۵
سخن متوجم.....	۱۷
درآمد.....	۲۵
پی نوشت ها.....	۴۱
فصل یکم: ایده فرهنگ در برنامه ریزی.....	
۱. فرهنگ و ملی گرایی.....	۴۹
۲. فرهنگ و قومیت.....	۵۷
۳. ملی گرایی، چندملیت گرایی.....	۷۲
۴. استعاره.....	۷۷
پی نوشت ها.....	۸۲
فصل دوم: جادوی برنامه ریزی.....	
۱. برنامه ریزی در واقعیت چگونه عمل می کند؟.....	۸۵
۲. برنامه چیست؟.....	۹۳
۳. برنامه ریزی انسانی - غیر انسانی.....	۱۰۹
۴. برنامه ریزی یک نظام - باور است.....	۱۱۶
۵. تبیین ناعقلانیت و درک ناپذیری.....	۱۲۰
۶. یاد گیری عقلانی بودن.....	۱۳۲
۷. نتیجه گیری.....	۱۴۵

۱۴۸.....	پی‌نوشت‌ها
۱۵۳.....	فصل سوم: بدن در برنامه‌ریزی
۱۵۸.....	۱. ذهن و بدن اندیشنده
۱۷۳.....	۲. بدن‌های مراقبت‌شده
۱۷۹.....	۳. بدن دیوان‌سالار
۱۹۶.....	۴. فرهنگ و طبیعت - واپسین بدن‌ها
۲۰۱.....	پی‌نوشت‌ها
۲۰۳.....	فصل چهارم: مالکیت: جامعه، خانه و سیاست‌گذاری
۲۰۳.....	۱. چه وقتی خانه، خانه است؟
۲۰۶.....	۲. مالکیت یک سیاست‌گذاری، مالکیت یک خانه
۲۱۶.....	۳. سیاست‌گذاری مالکیت در برابر احساس تعلق
۲۳۱.....	۴. چه موقع خانه یک شخص است؟
۲۴۱.....	۵. مالکیت خانه، مالکیت سیاست‌گذاری - پیامدها
۲۵۰.....	پی‌نوشت‌ها
۲۵۵.....	فصل پنجم: شهروندان و امر عمومی
۲۵۵.....	۱. مشارکت شهروندی به‌مثابه سیاست‌گذاری (امری که به‌خودی‌خود، به‌حیاطش ادامه می‌دهد)
۲۶۵.....	۲. شهروندان، سهام‌داران، مشارکت‌کنندگان
۲۷۱.....	۳. شهروند - مشتری در دولت شبه‌تجاری
۲۷۵.....	۴. شهروند به‌مثابه یک رابطه؟
۲۸۷.....	۵. بازگشت به موضوع بحث: بازسازی پارک نورفالك
۲۹۱.....	۶. شهروندان و مردم
۳۰۰.....	پی‌نوشت‌ها
۳۰۲.....	فصل ششم: امر عمومی و زمان
۳۰۳.....	۱. عموم مایوس‌کننده
۳۰۷.....	۲. صحبت از امر عمومی

فهرست ۹

۳۲۵.....	۳. مشارکت عمومی به مثابه یک معما
۳۲۹.....	۴. امر عمومی کی؟
۳۳۳.....	۵. برنامه ریزی گذشته
۳۳۶.....	۶. برنامه ریزی زمان بر است!
۳۳۹.....	۷. کیفیت زمان
۳۴۸.....	پی نوشت ها
۳۵۰.....	فصل هفتم: نتیجه گیری؛ احیای برنامه ریزی
۳۶۲.....	پی نوشت ها
۳۶۴.....	مفاهیم بنیادین متن
۳۸۴.....	واژه نامه
۳۹۶.....	نمایه نامها و کلمات کلیدی

سپاس و قدردانی

زمان زیادی صرف نوشتن و بیرون کشیدن این کتاب از کاری شد که سال‌ها قبل انجام داده بودم. نام بردن از همه کسانی که در تمامی این سال‌ها به من کمک کردند، میسر نیست، اما عده زیادی در به انجام رسیدن این کار سهمی قابل ستایش داشتند، به هر روی، مسئولیت همه اشتباهات و ضعف‌های این کتاب بر عهده نگارنده است. عده‌ای هم در این کتاب، به طور ویژه مرا یاری کردند و شایسته است در اینجا از همه آنان تشکر کنم و همچنین از کسانی که بخش‌ها یا فصولی از این کتاب را خواندند و نظرات سازنده و مفیدی دادند. /وا برگلاند^۱، تیم ریپون^۲ و کاترین الکساندر^۳ با خواندن این اثر، مرا از حمایت‌ها و نظرات خود بهره‌مند ساختند. هو تواماس^۴ با شهادت و بردباری شگفت‌آوری، تقریباً همه این اثر را مطالعه کرد و طی همه مراحل این طرح توصیه‌های الهام‌بخشی به من داشت. من به خاطر حمایت و دوستی‌ای که در حق من روا داشت، از او سپاسگزارم. همچنین دوست دارم و باید از کسانی که در سمینارهای

1. Eeva Berglund

2. Tim Rippon

3. Catherine Alexander

4. Huw Thomas

دانشگاه‌های منچستر^۱ و آبردین^۲، آسلو^۳ و ترومسو^۴ شرکت کردند و با نظرات و سؤالات خود مرا در سامان‌دادن مجدد به ایده‌ها و پرهیز از کزفهمی‌ها یاری رساندند تشکر نمایم. همچنین از والریه رُز^۵ که به سرعت، هدف مرا دریافت و به خاطر صبر و بردباری‌اش سپاسگزارم. همین‌طور باید از گری به خاطر طرح روی جلد شگفت‌آورش نیز تشکر کنم. هیچ‌کتابی بدون حدی از بخشنندگی از سوی همکاران دانشگاهی به رشته تحریر در نمی‌آید، و باید در اینجا از مایک رابینسون^۶ به خاطر حمایت‌ها و ملاحظاتش طی تکمیل این کار نهایت امتنان را داشته باشم. بخش زیادی از این تحقیق با حمایت مالی انجمن تحقیقات اجتماعی و اقتصادی^۷ و دانشگاه شفیلد^۸ انجام شد و شایسته است که سپاسگزار آنان باشم.

بیش از همه مایلم از کسانی تشکر کنم که در فراهم‌آوردن داده‌های تجربی در این کتاب یاری‌ام رساندند. از جوآن هابارد^۹، کالین ناتال^{۱۰} و همکارانشان در انجمن پارک نورفالك^{۱۱}، اعضای تیم ترمیم و بازسازی^{۱۲} و اهالی پارک نورفالك که در فیلم مستند «زندگی در مسیر ترمیم و بازسازی»^{۱۳} مشارکت داشتند، به‌ویژه هرمین^{۱۴}، جین^{۱۵} و پگی سیتون^{۱۶} متشکرم.

-
- | | |
|---|----------------------------|
| 1. Manchester | 2. Aberdeen |
| 3. Oslo | 4. Tromsø |
| 5. Valerie Rose | 6. Mike Robinson |
| 7. Economic and Social Research Council | 8. University of Sheffield |
| 9. Joan Hubbard | 10. Colin Nuttall |
| 11. Norfolk Park Community Forum | 12. Regeneration Team |
| 13. Living Through Regeneration | 14. Hermine |
| 15. Jean | 16. Peggy Seaton |

همچنین در اینجا می‌خواهم از سه نفر تشکر کنم که هرچند کمتر در این کار درگیر بودند اما سهم بسزایی در آن داشتند. نخست از هالوارد ویک^۱، به خاطر بحث‌های زیادی که طی سال‌ها داشتیم و مرا ترغیب به طرح‌ریزی این کتاب کرد. دوم اینکه، دوست دارم از شادروان جاناتان مردوخ^۲ - که متأسفانه از میان ما رفت - به خاطر الهاماتی که از کار وی برگرفتم، قدردانی نمایم. سوم اینکه، باید از لاک‌کراورگوس^۳ سپاسگزار باشم که با بردباری نوشته‌های مرا تحمل کرد و هرگاه از نوشتن بازمی‌ایستادم، تشویق می‌کرد. این اثر، بیشتر برای زندگی است تا برنامه‌ریزی، انسان‌شناسی^۴ یا امر آکادمیک، و خود را بسیار خوشبخت می‌دانم که همواره این را به خاطر داشته‌ام.

در نهایت، امیدوارم، مادرم، دی، از اینکه می‌بیند این کتاب به رشته تحریر درآمد، شادمان شود. حمایت‌ها و تشویق‌های او غیرقابل وصف است.

سیمون آبرام

نوامبر ۲۰۱۰

1. Halvard Vike
3. Luke Carver Goss

2. Jonathan Murdoch
4. Anthropology

پیشگفتار

مجموعه کتاب‌های فرهنگ و شهر شامل ترجمه‌ها، تألیف‌ها و تحقیقاتی است که برای توسعه گفتمان فرهنگ‌گرا در زمینه شناخت شهر و مدیریت شهری منتشر می‌شوند. هدف از انتشار این مجموعه، ارائه تازه‌ترین دیدگاه‌های معرفت‌شناسانه و مدیریتی در زمینه شهر است. دیدگاه‌های تازه در این حوزه معمولاً با نام چرخش فرهنگی شناخته می‌شوند. چرخش فرهنگی در دهه‌های اخیر واژه‌ای کلیدی برای تمام حوزه‌های مطالعاتی معطوف به جامعه و انسان از جمله شهر بوده است. در این چرخش معرفت‌شناسانه فرهنگ‌گرا در گفتمان مطالعات شهری، نه تنها موضوعات معطوف به وجوه نمادین و معنایی شهر (مانند فرهنگ شهر، خرده‌فرهنگ‌های شهری، شهروندی، اخلاق شهروندی، سبک‌های زندگی شهری، بازنمایی‌های شهر، سیمای شهر، شخصیت شهر، صنایع فرهنگی شهری، اقتصاد فرهنگ، شهر خلاق، هویت شهری، شهر یادگیرنده، تاریخ شهر، تجربه شهری، سیاست فرهنگی شهر، مصرف شهری، فراغت، زندگی روزمره شهری، فضاها شهری) بلکه رویکرد و روش‌شناسی کیفی بیش از گذشته در کانون مطالعات شهری قرار گرفته است. این گفتمان فرهنگ‌گرا، از سویی متأثر از تحولات اجتماعی در زمینه واقعیت شهر و از سوی دیگر تحولات معرفت‌شناسانه در روش‌های شناخت و فهم شهر است.

جامعه ایران مانند دیگر جوامع طی چند دهه اخیر به سوی جامعه شهری در حال تحول بوده است. اکنون بیش از هفتاد درصد جمعیت ایران در شهرها زندگی می‌کنند و شیوه زندگی شهری و شهری شدن سایر جمعیت‌های روستایی و ایلی ایران را نیز متأثر ساخته است. شهری شدن جامعه ایران هم‌زمان و همراه با تأثیرپذیری از فرایندهای عمومی دیگر مانند رسانه‌ای شدن، صنعتی شدن، تجاری شدن، مصرفی شدن، جهانی شدن، فراغتی شدن، فردگرا شدن و فرایندهای فرهنگی دیگر است. این تحولات وضعیت جامعه شهری ایران را پیچیده ساخته و آن را به مهم‌ترین مسئله کلیت نظام اجتماعی درآورده است. شهری شدن جامعه ایران ضمن خلق فرصت‌های تازه و مهم برای توسعه همه‌جانبه، با چالش‌های گسترده و عمیق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی همراه است. ما اکنون بیش از هر زمان دیگر نیازمند روش‌ها و رویکردهای تازه و کارآمد برای شناخت و مدیریت شهری هستیم. ما باید بتوانیم هم‌زمان تجربه‌های مطالعات و مدیریت شهری در سطح جهانی و محلی را شناسایی و آنها را ارتقا بخشیم تا به دانش گسترده و عمیق شهری برای توسعه شهری و مدیریت آن دست یابیم.

مجموعه متون و کتاب‌های فرهنگ و شهر برای تحقق این هدف بزرگ تهیه و منتشر می‌شوند. این مجموعه را نه تنها محققان و پژوهشگران رشته‌های مختلف علوم اجتماعی مانند مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، جمعیت‌شناسی، حقوق، تاریخ، جغرافیا، روان‌شناسی اجتماعی و تمام کسانی که با حوزه مطالعات شهری مانند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، طراحی شهری و شهرسازی سروکار دارند؛ بلکه مدیران و کارگزاران شهری می‌توانند استفاده کنند. مجموعه فرهنگ و شهر برای گسترش و توسعه گفتمان مطالعات شهری در ایران منتشر می‌شود. امیدواریم انتشار این متون بصیرت‌ها و رویکردهای تازه‌ای در مدیریت و مطالعه شهر در ایران امروز ایجاد کند و زمینه گفت‌وگوی بیشتر را در این زمینه شکل دهد.

دکتر نعمت‌الله فاضلی

دبیر علمی مجموعه «فرهنگ و شهر»

مفاهیم بنیادین متن

عقلانیت‌های [حاکم در] برنامه‌ریزی (Rationalities Of Planning)

الگوی برنامه‌ریزی عقلانی (Rational Planning Model) بر فرایند عقلانی‌سازی یک مسئله، انجام و ارزیابی معیارهای برنامه‌ریزی، ایجاد و بهبود آلت‌ناتیوها و نظارت بر آنها تأکید دارد. این الگو در طراحی محلات، شهرها و مناطق مورد استفاده قرار می‌گیرد. الگوی برنامه‌ریزی عقلانی در توسعه برنامه‌ریزی شهری و برنامه‌ریزی حمل‌ونقل مدرن، به امری بنیادین تبدیل شده است. الگوی مشابهی، در مطالعات رفتار سازمانی و اتخاذ تصمیمات محلی، مورد استفاده قرار می‌گیرد (رایینز، ۲۰۰۷: ۱۵۸-۱۵۶).

محققانی مانند جان‌اتان مردوخ، در مطالعات متعدد خود، به بررسی این امر می‌پردازند که آیا این عقلانیت‌های مطرح‌شده، نوعی عقلانیت ذاتی هستند یا اساساً عقلانیت‌ها در رابطه با قدرت مطرح می‌شوند. برای مثال وی در کتاب زمان در برابر مکان؛ عقلانیت‌های رقیب در برنامه‌ریزی برای خانه‌سازی، با تأکید بر اندیشه میشل فوکو، استدلال می‌کند که اساساً عقلانیت حاکم بر برنامه‌ریزی در حکومت، با محور قرار دادن امر توسعه، به بسط شبکه‌های قدرت حکومتی می‌پردازد. او با تکیه بر داده‌های تجربی بسیاری، این عقلانیت در برنامه‌ریزی را در برابر عقلانیتی قرار می‌دهد که اساساً توسعه پایدار را مدنظر قرار می‌دهد (جان‌اتان مردوخ، ۲۰۰۰: ۹۸-۱). بر این اساس ما در برنامه‌ریزی (چه فرهنگی و چه شهری) اساساً با نوعی عقلانیت ذاتی مواجه نیستیم. بلکه کانون و جهت‌گیری آن عقلانیت یا به زبان اندیشه‌های گفتمانی، دال مرکزی و صورت‌بندی گفتمانی حاکم بر آن، اهمیت بسزایی دارد.

بر این اساس، عقلانیت‌های حاکم در برنامه‌ریزی، می‌توانند بر اساس منافع حکومت و طبقات مسلط اجتماعی اقتصادی، بر عقلانیت اقتصادی (توسعه) استوار باشند یا بر اساس منافع اقشار مختلف جامعه بر عقلانیت محیطی (توسعه پایدار). در برنامه‌ریزی فرهنگی و برنامه‌ریزی شهری، این دو عقلانیت، عملاً در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند (مترجم).

<p style="text-align: center;">عقلانیت تروتمیز و بهداشتی (Hygienic Rationality)</p> <p>این عقلانیت در پیوند با مفهومی معنا می‌یابد که دقیقاً پس از آن آمده است، یعنی «قدرت». به‌زعم فوکو، اساساً تبارشناسی نشان می‌دهد، مفاهیمی که رفته‌رفته افراد مانند معانی بدیهی، لازم، بی‌خطر و بهداشتی از آن استفاده می‌کنند، اساساً نه لازم و بدیهی‌اند و نه بی‌خطر و بهداشتی. او با نشان‌دادن اینکه در گذشته، این معانی به طرز کاملاً متفاوتی وجود داشته‌اند، اینکه «چیزهایی که برای ما بدیهی‌تر به نظر می‌رسند، همیشه در طی تاریخی متزلزل و شکننده، در تلاقی رویارویی‌ها و فرصت‌ها شکل گرفته‌اند» و در نهایت اینکه معانی‌ای که اکنون به کار می‌روند، وقتی در ارتباط با قدرت قرار می‌گیرند، بدیهی‌تر، بی‌خطرتر و بهداشتی‌تر می‌نمایند (نک: برت، ۱۳۸۹: ۲۲۲-۲۲۱)، بر این نوع عقلانیت، تردیدی جدی وارد می‌کند و ماهیت آن را در رابطه با «قدرت» فهم می‌کند (مترجم).</p>
<p style="text-align: center;">موجود رابطه‌ای (Relational Exist)</p> <p>پوردیو تأکید زیادی دارد که انگاره‌های او، بر فلسفه علمی «رابطه‌ای» بنا شده است (پوردیو، ۱۳۸۰: ۲۱-۲۰). پیش‌تر، مارکس با تأکید بر این «فرد رابطه‌ای»، در برابر «فردیت انتزاعی مجرد» یا «فرد منفرد بورژوازی» واکنش نشان می‌دهد.</p> <p>مارکس چه در تزهایی درباره فوئر باخ (مارکس، انگلس، پلوخانف، ۱۳۷۹: ۸۳-۷۹) چه در بحث‌های <i>ایدئولوژی آلمانی</i> (مارکس، انگلس، پلوخانف، ۱۳۷۹: ۳۰۲-۳۹۸) و چه در ابتدای <i>گروندریسه</i> (مارکس، ۱۳۷۷: ۸-۵)، تصور فردیت انتزاعی را امری مربوط به بورژوازی می‌داند. بر این اساس، می‌توان این نقد را به نویسنده کتاب وارد آورد که آن طور که وی می‌گوید، این «فلسفه غرب نیست» که فرد را انتزاعی و جدا از اجتماع مطرح می‌کند، بلکه «فلسفه بورژوازی» است که با این کار، از سوی همه مشکلات نظام اقتصادی مبتنی بر استثمار خویش را متوجه «فرد» می‌کند و از سوی دیگر، فلسفه خود را به مثابه «فلسفه‌ای عام» مطرح می‌کند. مفهوم «رابطه‌ای» از فرد که فرد را در متن جامعه و تاریخ تکامل اجتماعی و در رابطه با دیگران می‌فهمد، تیشه بر ریشه این «توهم»، یعنی فرد منفرد انتزاعی می‌زند (مترجم).</p>
<p style="text-align: center;">تقابل‌های دوقطبی (Binary Oppositions)</p> <p>«تقابل‌های دوقطبی» به لحاظ ادبیات نظری، در رویکرد سوسور به زبان‌شناسی، ریشه دارد. سوسور «تمامی ساخت و کار زبان [را]... بر بنیاد تقابل‌ها» (سوسور، ۱۳۸۲: ۱۷۴) تعریف کرد. بر این اساس، زبان و فهم ما از جهان که از دریچه زبان انجام می‌شود، فهمی آمیخته به دوقطبی‌های زبان‌شناختی است. ابتدا یا کوبسون کاربرد این دوقطبی‌ها را در فهم پدیده‌های زبان‌شناختی، مثل واژه‌ای/غیرواژه‌ای، خیشومی/غیرخیشومی و مانند این به کار برد (سلدن و ویبوسون، ۱۳۸۷: ۱۳۸) و، اشتراوس از آن برای فهم پدیده‌های فرهنگی (اسطوره‌ها، فراورده‌های فرهنگی مثل غذاها و نظام خویشاوندی و مانند این) بهره برد (توسلی، ۱۳۸۴: ۵۸؛ برت، ۱۳۸۹: ۶۴-۵۵). باختین، آن را به حوزه فهم اجتماعی ما از خودمان کشاند، به طوری که فهم ما از خودمان، به دوقطبی ما/دیگری وابسته می‌شود، به طوری که اساساً من نمی‌توانم از خویش آگاه شوم، مگر از راه دیگری (احمدی،</p>

۱۳۸۸:۱۰۲). بورديو نیز این تقابل‌ها را در زندگی عینی مردم الجزایر و روابط نابرابر آنان بازنمایی کرد (چکینز، ۱۳۸۵: ۷۳-۶۰) و بعدها فوکو، به‌ویژه در تاریخ جنون خود (۱۳۸۵) شکل‌گیری خرد/بی‌خردی را در تاریخ اروپا تبارشناسی کرد و از این تقابل‌ها برای نشان‌دادن روابط قدرت بهره برد (مترجم).

آمایش سرزمینی (Spatial Planning)

کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا (UNECE) در کتابی با عنوان آمایش سرزمینی، ابزار کلیدی برای توسعه و حکومت کارآمد با اشاره به منابع آمایش سرزمینی در کشورهای درحال توسعه (۲۰۰۸)، آمایش سرزمینی را ابزاری کارآمد برای استقرار چهارچوبی پایدار در توسعه اقتصادی، سرزمینی و اجتماعی در کشورهای مختلف معرفی می‌کند. از این منظر، مهم‌ترین نقش آن، ارتقای هماهنگی میان بخش‌هایی مثل خانه‌سازی، حمل‌ونقل، انرژی، صنعت، بهبود سیستم‌های توسعه کشاورزی و شهری ملی و محلی و در نظر گرفتن ملاحظات محیطی است. همچنین، این رویکرد، دیدگاه مشترک و جهت‌گیری منسجم برای توسعه سرزمینی بر اساس استفاده کارآمد از منابع، حکمرانی خوب، مشارکت خصوصی - عمومی و سیاست‌گذاری کارآمد معطوف به سرمایه‌گذاری را مدنظر قرار می‌دهد.

از اهداف آمایش سرزمینی می‌توان به (۱) ارتقای انسجام سرزمینی از طریق ایجاد توسعه اقتصادی و اجتماعی متوازن تر مناطق و رقابت‌جویی بهبود یافته؛ (۲) ترویج توسعه با کارکردهای شهری و بهبود روابط میان شهر و روستا؛ (۳) ارتقای قابلیت دسترسی متوازن تر؛ (۴) رشد دسترسی به اطلاعات و دانش؛ (۵) کاهش آسیب‌های محیطی؛ (۶) ارتقا و رشد منابع و میراث طبیعی؛ (۷) ارتقای میراث فرهنگی به‌مثابه عاملی برای توسعه؛ (۸) بسط منابع انرژی در عین حفظ امنیت؛ (۹) ترویج صنعت توریسم پایدار، با کیفیت مناسب؛ (۱۰) کاهش تأثیرات مخرب بلایای طبیعی اشاره کرد (مترجم).

فرهنگ‌های مبتنی بر محل کار (workplace cultures):

فرهنگ‌های مبتنی بر محل کار، به مجموعه عادات رفتاری، نگرش‌ها، ژست‌ها، اولویت‌های رفتاری - اخلاقی و عادت‌واره‌هایی اشاره دارد که در محل کار نسبتاً ثابتی که در آن کارگران با هم در تعامل هستند، شکل می‌گیرد، مثل فرهنگ کارگران اداری ادارات دولتی، فرهنگ کارگران فرهنگی مؤسسات فرهنگی و انتشاراتی مختلف (مؤسسات گرافستی، طراحی، ترجمه، نشر، ویراستاری و مانند این)، فرهنگ کارگران یدی و غیریدی کارخانه‌های مختلف (کارخانه‌های ریسندگی، چیت‌سازی تهران، هفت‌تپه، شرکت واحد و مانند این) که در آن، سواى وضعیت طبقاتی مشترکشان در استثمارشدگی ناشی از نبود ابزار تولید، هر مؤسسه یا ارگان خاص، خرده‌فرهنگ مربوط به خود را دارد که به آن، فرهنگ‌های مبتنی بر محل کار می‌گویند. (مترجم)

ناآرمان شهر (Dystopia)

ناآرمان شهر (Dystopia) درست برخلاف آرمان شهر (Utopia) است؛ یعنی شهری که در مقابل مطلوب‌ترین شهر برای زندگی قرار دارد؛ یعنی شهری نازیبا، غیرقابل سکونت و فاقد هرگونه کیفیت زندگی. دیدگاه ناآرمان شهری به شهر (Dystopian Vision) نیز به همین امر اشاره دارد.

دیدگاه بی‌زمان (Timeless Vision)

دیدگاه بی‌زمان، به رویکردی از ساختارگرایی اشاره دارد که سعی می‌کند از پدیده‌های اجتماعی، به نوعی، عکس فوری (Snap Shot) بگیرد و بدین‌سان، از سیر وقایع آن غفلت می‌ورزد (در این باره، بنگرید به: برت، پاتریک (۱۳۸۹)؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی در قرن بیستم؛ مترجم: محمد خانی، تهران: رخداده نو، ص ۴۱-۳۱). این دیدگاه به دیدگاهی غیرتاریخی و ساختارگرایانه اشاره دارد که به نوعی، با زمان‌زدایی از پدیده‌های اجتماعی - تاریخی، سعی در فهم عملکرد آن دارد و این چنین، از تبارشناسی، فهم شکل‌گیری، تکامل و ضرورت‌های عینی - تاریخی آن عاجز خواهد بود.

یکی از روش‌های تحقیق و نیز رویکردهایی که بر این دیدگاه استوار است، رویکردهای مقایسه‌ای است که تلاش می‌کند، برای مثال، با مقایسه وضعیت کنونی کشورهای سرمایه‌داری غربی (سرمایه‌داری مرکز) با کشورهای جهان سوم (سرمایه‌داری حاشیه‌ای)، اساساً عقب‌ماندگی این کشورها را در تفاوت‌های مختلف این کشورها و فاصله کشورهای جهان سوم از کشورهای غربی معرفی کنند. این رویکردهای مبتنی بر مدرنیزاسیون یا نوسازی (مثل رویکرد پارسونز، هولیتز، اسملسر، ایزنشتاد، لرنز، مک‌کله‌لند، هیگن، راجرز، شومپتر و روستو) بدون توجه به شرایط عینی - تاریخی شکل‌گیری این نظام تبعیض‌آمیز جهانی، یعنی ماهیت نظام سرمایه‌داری، اساساً توسعه را در رفع این فاصله روانی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی معرفی می‌کنند (در این باره، نک: ازکیا، غفاری (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: کیهان).

بعدها والرشتاین با نگاهی تاریخی و مبتنی بر اقتصاد سیاسی، کاستی‌های این روش‌های تحقیق را نشان داد. وی با داده‌های فراوان تاریخی نشان داد که اساساً سازوکاری جهانی در کار بوده است که برخی از کشورها را به سوی اقتصاد تک‌محصولی و صدور مواد خام، یعنی حاشیه و پیرامون نظام اقتصاد جهانی سوق دهد و برخی از کشورها را با صدور مواد صنعتی، در مرکز آن (والرشتاین، ۱۹۹۹: ۲۶۷). بدین‌وسیله، مازاد تولیدشده در کشورهای جهان سوم و منطقه پیرامونی نظام جهانی، به سوی کشورهای مرکز سرمایه‌داری جذب می‌شد (والرشتاین، ۱۹۹۶: ۱۰۲).

در تداوم همین نظام سرمایه‌داری جهانی بود که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، با تحمیل تعدیل و اصلاح ساختاری، یعنی آزادسازی اقتصادی، برداشتن یارانه‌های غذایی، حمایت‌های دولتی از کشاورزان و صنایع داخلی در کشورهای حاشیه‌ای (موسوم به جهان سوم) و اجبار این کشورها در مشارکت این کشورها در بازار جهانی و مانند این، مهلتی برای بازگرداندن وام‌های کلان به این کشورها داد و بدین‌سان، تهمانده مقاومت این کشورها در برابر نظام سرمایه‌داری جهانی را در هم شکست (در این باره، مطالعه فصل اول کتاب امور پلیسی دموکراتیک در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه اثر ناتان دلبلیو. پینو (در دست چاپ)؛ همچنین، کتاب ارزشمند دیوید هاروی، (۱۳۸۶)، تاریخ مختصر نولیبرالیسم و نیز کتاب خسرو صادقی بروجنی، (۱۳۹۱ / ۲۰۱۱)، نولیبرالیسم در بوته نقد، توصیه می‌شود) (مترجم).

ملت / دولت ملت (Nation-State/Nation)

اریک هابزبام در کتاب ملت و ملی‌گرایی پس از ۱۷۸۰ (۱۳۸۲) نشان می‌دهد که «ملت وجودی بنیادین و اجتماعی و غیرقابل تغییر» نیست، بلکه «ملت، تنها به دوران خاص و تاریخی اخیر تعلق دارد»؛ در واقع «این ملت‌ها نیستند که دولت‌ها و ملی‌گرایان را می‌سازند، بلکه برعکس» (هابزبام، ۱۳۸۲: ۲۰)؛ (۲) این دولت‌ها و ملی‌گرایان هستند که ملت‌ها را می‌سازند؛ (۳) تصور شکل‌گیری ملت‌ها بر اساس زبان مشترک و مانند این، اسطوره‌ای بیش نیست

(هازبام، ۱۳۸۲: ۲۱)، زیرا بسیاری از این واحدهای مشترک زبانی، به لحاظ تاریخی اصالت ندارد. برای مثال «در ایتالیا، در زمان شکل‌گیری وحدت ملی، تنها دوونیم درصد مردم به زبان ایتالیایی سخن می‌گفتند و این درحالی بوده است که مابقی مردم، هر کدام به گویشی تکلم می‌کرده‌اند که برای دیگران قابل درک نبوده است» (هازبام، ۱۳۸۲: ۵۵).

درواقع، مفهوم ملت، ساخته‌پرداخته نظام سرمایه‌داری جهانی بود که «با اتکا به دولت‌های سرزمینی که هر کدام به‌مثابه کلی واحد سیاست‌های مرکزگرایستی را دنبال می‌کرد» (هازبام، ۱۳۸۲: ۳۹)، خود را توسعه بخشید. این گونه بود که «یک طبقه (بورژوازی ملی)، منافع بورژوازی خاص خود را به کمک توهم ملت به‌مثابه منافع کل جامعه، بازنمایی» کردند (مارکس، ۱۳۷۹: ۳۳۳) و منازعات سرمایه‌دارانه خویش را نبرد ملی و عام تمامی طبقات جامعه نشان دادند (مترجم).

دانش ضمنی (Implicit/Tacit Knowledge)

دانش ضمنی / ناگفته / سر بسته / عملی، از سویی، ریشه در فهم ویتگنشتاین متأخر، در زبان به‌مثابه امری عملی و کاربردی دارد. چیزی که اندیشیدن را به امری جسمانی تبدیل می‌کند که با شرکت در بازی‌های زبانی ممکن می‌شود (ویتگنشتاین، بند ۱۰۸، ۱۳۴۰، ۱۱۶، ۳۳۹، ۱۳۸۱: ۲۰۲-۱۰۰). از سوی دیگر، دانش ضمنی / ناگفته یا عملی در اندیشه‌های جامعه‌شناسانی مثل گافمن و گارفینکل ریشه دارد. در نظر گافمن، کنش به‌مثابه اجرا، ریشه در دانش ناگفته، سر بسته و عملی دارد (برت، ۱۳۸۹: ۱۴۳) و روش‌شناسی مردم‌نگار کارفینگل نیز، نه از طریق دانش استدلالی و نظری، بلکه از طریق دانشی ضمنی، ناگفته و سر بسته و عملی به دست می‌آید که در پرتوی زندگی عملی در زندگی روزمره به دست آمده است (برت، ۱۳۸۹: ۱۶۰). بوردیو، این وجه را در نظریه کنش عملی خود برجسته می‌کند و با تأکید ویتگنشتاین بر عقل عملی (تیلور، ۱۹۹۹: ۴۳)، بر عقل و دانشی تکیه می‌کند که به‌مثابه تجربه‌های اجتماعی، از بازی در میدان به دست آمده است (شوارتز، ۱۹۹۷: ۹۸) و درواقع، کنش‌های انسانی را نه با دانش نظری و استدلالی، که با دانش عملی پیوند می‌دهد (مترجم).

دانش صریح / استدلالی / نظری (explicit/theoretical knowledge)

برخلاف دانش ضمنی و عملی، دانشی است مبتنی بر آگاهی نظری. دانشی است که فرد می‌تواند آن را به زبان بیاورد و در مورد آن صحبت کند. دانش استدلالی جایی است که فهم و دانش فرد می‌تواند در قالب کلمات بیان شود (برت و سیلوا، ۲۰۱۰: ۶).

هرچند، این نقد به جامعه‌شناسی جریان اصلی (رسمی) وارد می‌شود که با تأکید زیاد بر دانش عملی، تاحدی، امکان ظهور دانش صریح یا استدلالی و نقشی که این دانش در تقدم‌بخشیدن به تغییر سنجیده و حساب‌شده دارد را نادیده می‌گیرد و در برابر آن گفته می‌شود افراد ممکن است در مواجهه با تجربه‌های نوظهور و بدیع که با جهان مسلم‌فرض‌شده آنها جور در نمی‌آید، در مورد ساختاری که تاکنون مسلم فرض می‌کردند، تأمل می‌نمایند و آگاهی نظری کسب می‌کنند و ممکن است برحسب آن دانش نظری، عمل کنند (برت، ۱۳۸۹: ۲۰۱-۲۰۰)، اما نباید فراموش کرد که جریان انتقادی جامعه‌شناسی، یعنی جامعه‌شناسی مارکسیستی، در کنار تأکید بر آگاهی عملی، بر آگاهی نظری نیز تأکید داشته است. این جریان در اندیشه مارکسیستی - لنینیستی و اهمیتی که به نقش حزب در سازمان‌دهی و آگاه‌ساختن مردم (گلزمن، ۱۹۶۸: ۲۵-۱۴)، نكوهش وضع موجود، یافتن ریشه‌های ناپسامانی (بشریه، ۱۳۸۷: ۸۷) و افشای سازوکارهای نظام سلطه (خانی، ۱۳۹۱: ۶۰-۴۷) می‌دهد، بارز است (مترجم).

دانش مشترک (Shared Knowledge)

اساساً دانش، درک، باورها، هنجارها و ارزش‌های مشترک، ریشه در اخلاق جمعی دورکیم دارد (ریترز: ۱۶). گیدنز، پیتر برگر و هاروارد بکر، بر درک مشترک تأکید داشته‌اند (ریترز، ۲۰۰۵: ۴۳، ۳۲۱، ۴۱۱) و باری بارنز بر دانش مشترک، به‌مثابه یک ثابت مردم‌شناختی (در برابر متغیر) (بارنز، ۱۹۹۵: ۱۱۱) و نقش برجسته دانش مشترک در کنش متقابل اجتماعی تأکید می‌کند (بارنز، ۱۹۹۵: ۹۳-۸۵).

اساساً بخش بزرگ دانش مشترک، در روابط بین‌فرهنگی انسانی مستتر است (ریترز، ۲۰۰۱: ۵۳۲). «این دانش، با دانش ضمنی و عملی رابطه نزدیکی دارد. بر این اساس، افرادی که در فرهنگ مشابهی زندگی می‌کنند، در شناخت قواعد اجتماعی محلی با هم مشترکند. این دانش الزاماً، استدلالی یا نظری نیست. در عوض، به عملکردهای ماهرانه افراد اشاره می‌کند؛ یعنی رویه‌هایی در این مورد که چگونه در حیات اجتماعی، راه خود را ادامه دهند» (برت، ۱۳۸۹: ۱۷۹). بر این اساس، می‌توان گفت، دانش مشترک، بیشتر مربوط به آگاهی و دانش عملی و ضمنی ما می‌شود که از زندگی (بازی) مشترک با انسان‌های دیگر در محیط‌های فرهنگی (میدان‌های) مشترک به دست آمده است و در شناخت ما از خودمان، کنش متقابل، جهت‌گیری‌های عاطفی - شناختی، اجتماعی و سیاسی ما نقش بسزایی دارد (مترجم).

دانش جزئی (Partial Knowledge)

برخی از ریاضی‌دانان، مثل جان دانسون، معتقدند کسب دانش کامل، حتی در ریاضیات نیز همیشه مقدور نیست و محاسبات کلی در برخی موارد، حدسی و تقریبی هستند (دانسون: ۲۰۰۳: ۲۲-۱). در جامعه‌شناسی، دانش جزئی، اشاره به این امر دارد که ما برای اینکه عقلانی عمل کنیم، همیشه در کنش‌ها و محاسباتمان، اطلاعات کامل را به دست نمی‌آوریم (اگر چنین کاری ممکن باشد) و اساساً جمع‌آوری بی‌حد و حصر اطلاعات، در موقعیت‌ها و انتخاب‌های فوری، می‌تواند حاکی از بی‌خردی باشد (برت، ۱۳۸۹: ۲۷۷-۲۷۶).

اما همیشه این خطر وجود دارد که دانش جزئی، به «مغالطه ناشی از ترکیب» منجر شود. سارتر در مثالی، این امر را به‌خوبی روشن می‌کند که در آن، هر دهقان می‌خواهد با قطع درختان بیشتر، زمین‌های بیشتری را تصاحب کند؛ اما این کار به تسطیح و فرسایش زمین و درنهایت، کاهش زمین‌های قابل کشت برای کل دهقانان منجر می‌شود (برت، ۱۳۸۹: ۲۷۴) (مترجم).

خانه‌های سبز (Green-Homes)

این خانه‌ها مراکزی بودند برای حمایت از کارگروه‌هایی که وظیفه آموزش و راهنمایی خانه‌داران را برعهده داشتند و بر آموزش‌هایی متمرکز بودند که هم موجب صرفه‌جویی در هزینه‌های خانواده و پس‌انداز مالی و هم موجب حفاظت از محیط‌زیست می‌شد. این برنامه‌های آموزشی به موضوعاتی چون زباله‌ها، انرژی (گاز، برق، بنزین، نفت و مانند این) و حمل‌ونقل می‌پرداختند و بر لزوم بسط و گسترش پیام خانه‌های سبز در مدرسه‌ها و جامعه تأکید می‌کردند. برنامه خانه سبز را می‌توان به صورت فردی یا گروهی دنبال و اجرا کرد (مترجم، برگرفته از سایت خانه سبز: <http://www.greenhome.ie>).

روال‌های خودکام‌بخش / منجر به خویش (Self-Fulfilling Procedures)

اگر یک گزاره یا باور در مورد رخدادی در آینده، منجر به خویش یا خودکام‌بخش (Self-Fulfilling) باشد، آن گزاره یا باور، درست از آب درمی‌آید؛ زیرا شما انتظار دارید درست باشد و چنان رفتار می‌کنید که اتفاق بیفتد (فرهنگ لغت لانگمن)؛ بنابراین، بر اساس این تعریف، می‌توان روال‌های خودکام‌بخش یا منجر به خویش را روال‌هایی دانست که بر اساس آن، کارگزار به گونه‌ای عمل می‌کند که پیش‌بینی‌های مندرج در برنامه‌ها، درست از آب درآید. این امر با مثالی کاملاً روشن می‌شود: ممکن است کسی بگوید «فلان کشور در فلان تاریخ، با کشوری دیگر جنگ یا صلح می‌کند»؛ اگر آن فرد که چنین پیش‌بینی‌ای انجام داده است، فردی عادی و بدون قدرت تأثیرگذاری در تصمیمات نظامی باشد و این گزاره را از داده‌های مختلف که با روش‌های مختلف به‌دست آمده، استخراج کرده باشد، «پیش‌بینی» ای (درست یا غلط) انجام داده است. ولی اگر کسی که چنین پیش‌بینی‌ای انجام داده است، فرمانده نظامی، رئیس‌جمهور، مشاور عالی سیاسی، وزیر اطلاعات و امنیت یا مقامی هم‌پایه آنها باشد، او دیگر پیش‌بینی انجام نداده است، بلکه «پیش‌بینی‌ای خودکام‌بخش» انجام داده است که مشخصاً خبر از این می‌دهد که آن فرد، به گونه‌ای عمل می‌کند که پیش‌بینی یادشده، درست از آب درآید؛ به عبارت دیگر، او پیش‌بینی نکرده است، بلکه خبر از کاری می‌دهد که در آینده انجام خواهد داد و توانایی انجام آن را نیز دارد. نمونه‌ای تاریخی از این امر، کتاب جنگ تمدن‌ها است که به وسیله هانتینگتون نوشته شده است. هانتینگتون که مشاور عالی سیاسی امریکا، به‌ویژه بعد از جنگ سرد و فردی تأثیرگذار در گروه ۳۵ نفره نومحافظه‌کاران بود که در دوران جورج بوش پسر حاکم بودند، با داده‌های کلانی سعی می‌کند به پیش‌بینی جنگ تمدن‌ها بپردازد؛ چیزی که بیش از اینکه پیش‌بینی بر اساس مستندات علمی باشد، شبیه به مشاوره و صوابدیدی به اتاقی فکرها، کارشناسان و فرماندهان نظامی و اطلاعاتی امریکا و اروپاست (مترجم).

روال‌ها یا پیشگویی‌های خودکام‌بخش / منجر به خویش (Self-Fulfilling Procedure/Prophecy)

همان‌طور که گفته شد اگر یک گزاره یا باور در مورد رخدادی در آینده، منجر به خویش یا خودکام‌بخش (Self-Fulfilling) باشد، آن گزاره یا باور درست از آب درمی‌آید؛ زیرا شما انتظار دارید درست باشد و چنان رفتار می‌کنید که اتفاق بیفتد (فرهنگ واژگان لانگمن، ۲۰۰۶: ۱۳۸۸). بنابراین، بر اساس این تعریف، می‌توان روال‌ها یا پیشگویی‌های خودکام‌بخش یا منجر به خویش را روال‌هایی دانست که بر اساس آن، کارگزار به گونه‌ای عمل می‌کند که پیش‌بینی‌های مندرج در برنامه‌ها، درست از آب درآید. این مفهوم را ابتدا رابرت مرتون در کتاب نظریه اجتماعی و ساختار اجتماعی (مرتون، ۱۹۵۷) وارد جامعه‌شناسی کرد. این مفهوم، ریشه در این انگاره ویلیام ایساک تامس دارد که «اگر انسان‌ها موقعیتشان را واقعی تلقی کنند، پس نتایج آن موقعیت‌ها نیز واقعی می‌شوند». مرتون استدلال می‌کند که «در ابتدا، تعریف غلط از موقعیت، منجر به رفتارهای تازه‌ای می‌شود که باعث می‌شود آن برداشت غلط، درست و حقیقی از آب درآید. این امر منجر به جاودانه‌شدن حاکمیت خطا یا دور باطل می‌شود» (فرهنگ واژگان آکسفورد، ۱۹۹۴: ۵۹۱). اما به‌زعم من، نوعی پیشگویی خودکام‌بخش دیگری هم وجود دارد که نه از برداشت غلط، بلکه از تعریف کاذب معطوف به سود/ منفعت سرمایه‌داران و سیاست‌مداران نظام سرمایه‌داری ناشی می‌شود.

در اینجا، وارونه جلوه‌دادن واقعیت و ترسیم آینده کاذب، نه از سر ناآگاهی، بلکه از سر جاه‌طلبی و منفعت‌طلبی سرمایه‌داران و سیاست‌مداران نظام سرمایه‌داری است که ایجاد آن آینده کاذب، منفعت آنها را تأمین می‌کند. بنابراین تلاش می‌کنند با تکیه بر داده‌های مختلف، آن آینده کاذب را آینده‌ای مسلم و ضروری و واقعی جلوه دهند و در راه تحقق آن، تمامی ابزارهای سرمایه‌ای، نظامی، سیاسی و فرهنگی خود را به کار می‌گیرند. حتی ممکن است از وقوع آینده واقعی قریب‌الوقوعی، مثل بحران سرمایه‌داری، جلوگیری کنند و آن را غیرواقعی جلوه دهند. این امر با مثالی کاملاً روشن می‌شود: ممکن است کسی بگوید «فلان کشور در فلان تاریخ، با کشوری دیگر جنگ یا صلح می‌کند». اگر فردی که این پیش‌بینی را می‌کند، فردی عادی و بدون قدرت تأثیرگذاری در تصمیمات نظامی باشد و این گزاره را از داده‌های مختلف که با روش‌های مختلف به دست آمده است، استخراج کرده باشد، «پیش‌بینی» (درست یا غلط) انجام داده است؛ ولی اگر فرمانده نظامی، رئیس‌جمهور، مشاور عالی سیاسی، وزیر اطلاعات و امنیت یا مقامی هم‌پایه اینها باشد، او دیگر پیش‌بینی انجام نداده است، بلکه «پیش‌بینی خودکام‌بخش» انجام داده است که مشخصاً خبر از این می‌دهد که آن فرد، به گونه‌ای عمل می‌کند که پیش‌بینی یادشده درست از آب درآید. به عبارت دیگر، او پیش‌بینی نکرده است، بلکه خبر از کاری می‌دهد که در آینده انجام خواهد داد و توانایی انجام آن را نیز دارد.

قوم‌نگاری (Ethnography)

قوم‌نگاری، اصطلاحی است که هم در مورد مشاهده مستقیم رفتار یک گروه اجتماعی و هم در مورد نگارش آن مشاهدات به کار می‌رود. گاهی از آن با عنوان «کار میدانی» یاد می‌شود و بیشتر در پیوند با تکنیک‌های تحقیقی «انسان‌شناسی اجتماعی» است. با این حال، جامعه‌شناسانی که به «مطالعه اجتماعات محلی» می‌پردازند، مانند کسانی که «مطالعه میدانی» می‌کنند، مطمئناً به کار میدانی می‌پردازند. تکنیک اصلی تحقیقات قوم‌نگاری، «مشاهده مشارکتی» است.

نمونه کلاسیک این نوع تحقیقات، مطالعه *ولیم فونت رایت*، در مورد یک منطقه پرازدحام ایتالیایی نشین، در شهری امریکایی است (فرهنگ واژگان آکسفورد، ۱۹۹۴: ۲۰۲). بعدها، برخی از محققان، مثل ادوارد سعید، این مطالعات را با روابط خود/دیگری حاکم در گفتمان غرب پیوند دادند که در آن، فرهنگ غرب، خود را به کمک و در تقابل با آن «دیگری» شکل داد. در واقع، این مطالعات «شرق‌شناسانه» بر یک پیش‌فرض استوار بود و آن اینکه، بین توسعه مکانی جوامع (شرق/غرب) و توسعه زمانی آن (اولیه/پیشرفته) پیوندی وجود دارد و این امر، شرقی ایجاد کرده است که به قول ادوارد سعید، دیگر یک مکان نیست، بلکه یک «دیگری» است که «غرب» (که آن هم دیگر یک مکان نیست) خود را در برابر آن شکل داده است (بنگرید به: ادوارد سعید، شرق‌شناسی، ۱۳۷۰). به نظر من، اما این شرق‌شناسی، بیش از آنکه با جغرافیای قدرت گفتمانی بی‌زمان پیوند داشته باشد، موکول و مشروط به نظام جهانی است که در همان دوران، تلاش می‌کرد جغرافیای جهانی و جایگاه خود به‌مثابه مرکز نظام جهانی سرمایه‌داری را تثبیت نماید. به نظر من، فرماسیون اقتصادی - اجتماعی نظام جهانی سرمایه‌داری، موکول و مشروط به این روابط قدرت نیست، بلکه در تحلیل نهایی، این روابط قدرت هستند که موکول و مشروط به روابط حاکم بر فرماسیون یا صورت‌بندی اقتصادی - اجتماعی نظام جهانی سرمایه‌داری هستند (مترجم).

<p style="text-align: center;">انسان‌شناسی (Anthropology)</p> <p>انسان‌شناسی ناشی از کنجکاوی در سایر فرهنگ‌هایی بود که کاوشگران، بازرگانان و هیئت‌های مبلغان مذهبی از اواخر قرن پانزدهم به بعد، آنها را شرح داده بودند. این رشته به‌مثابه یک حرفه فکری سازمان‌یافته، از نیمه قرن نوزدهم، یعنی زمانی که انجمن‌های فرهیختگان در فرانسه تأسیس شد، شکل گرفت. نخستین نظریه‌های آن، تکامل‌گرایانه بودند که در ابتدا، به تکامل‌گرایی اجتماعی تیلور و سپس، نظریه‌های انتشار و مهاجرت راه برد. جیمز فریزر، نماینده سنت انسان‌شناسی اولیه پشت‌میزنشین است که فقط به گردآوری یافته‌های دیگران پرداخت؛ ولی فرانتس بوآس و چارلز سلیگمان، خود عازم سفر شدند و دست به مطالعات عینی زدند. سرانجام، مالدینوفسکی، تغییر چشمگیری در روش‌شناسی این مطالعات و بستر مناسبی برای تحقیقات بعدی ایجاد کرد (مترجم، برگرفته و تلخیص از فرهنگ واژگان آکسفورد، ۱۹۹۴: ۶۰۶-۶۰۵).</p>
<p style="text-align: center;">ریز مطالعه (Fine Study)</p> <p>هدف از ریزمطالعه، ترکیبی از «مطالعه پاسخ‌داری» در مورد تأثیر عملکرد آموزشی بر پارامترهای سلامتی سوخت‌وساز بدن است که با «مطالعه قوم‌نگارانه» در مورد چاقی، انگیزه و کارهای روزمره انجام می‌شود (بنیاد ساکسو، ۲۰۱۲: ۱-۲). ریزمطالعه، تحقیقی پزشکی است که به طور بینارشته‌ای و با روش طولی در کشورهای مختلف انجام می‌شود. این تحقیق که ابتدا در دهه ۵۰ آغاز شده بود، عوامل مرتبط با مرگ‌ومیر و بیماری‌های قلبی عروقی را در چندین کشور مختلف مطالعه کرد. مرحله اول این تحقیق، ۲۵ سال به طول انجامید. این تحقیق طولی، در سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۴ و بعد، هر پنج سال یک‌بار، در قالب ریزمطالعه، در فنلاند و ایتالیا و هلند تداوم یافت. سنجه‌های این مطالعه، عملکرد فیزیکی بدن، سلامتی روانی، عادات غذایی و وضعیت سلامتی کلی فرد را مطالعه می‌کند.</p> <p>سری دوم این مطالعات، بر تفاوت‌های فرهنگی بر تأثیر الگوها و سبک‌های غذایی بر سلامتی و عملکرد بدن در گروهی از اروپاییان مسن، متمرکز شد. این مطالعات بر تأثیر تفاوت‌ها و تغییرات فرهنگی و عوامل فیزیکی، روانی، اجتماعی و شناختی مؤثر در سلامتی و عملکرد آن در اروپاییان مسن متمرکز شده بود (ایجانسکا، ۲۰۰۵: ۴۱۳-۴۱) و در پیوند با سری اول این مطالعات، به دنبال بررسی تأثیر عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، روانی و شناختی در فرهنگ‌های مختلف جوامع مختلف (و نیز تغییرات فرهنگی در یک جامعه) بر سلامتی و بیماری‌های مختلف بود (مترجم).</p>
<p style="text-align: center;">کنش‌های گفتاری (Speech Acts)</p> <p>کنش گفتاری، گفته‌ای است که همه یا جزئی از یک کنش را شکل می‌دهد. برای مثال، من با گفتن (یا نوشتن) اینکه «سر یک پوند شرط می‌بندم که بچه‌ات دختر است» درگیر عمل شرط‌بندی می‌شوم. از جمله دیگر کنش‌های گفتاری مشهود، وعده‌ها و هشدارها هستند. نظریه‌های کنش‌های گفتاری در دهه سی، به‌وسیله فیلسوف آکسفوردی، جی. ال. اوستین مطرح شد و موضوع ۱۲ درس گفتار وی در سال ۱۹۵۵ در دانشگاه هاروارد امریکا بود. با انتشار این درس‌گفتارها (۱۹۶۲) و توضیحات تکمیلی جان سرل (۱۹۶۹)، نظریه کنش</p>

گفتاری مورد توجه زبان‌شناسان (ساداک، ۱۹۷۴؛ سینکلر و کولتارد، ۱۹۷۵؛ هایمز، ۱۹۶۷/۱۹۸۶؛ شگلوف، ۱۹۶۷/۱۹۸۶)، استادان زبان، روان‌شناسان (برونز، ۱۹۷۵؛ بیس، ۱۹۷۶) و نظریه‌پردازان ادبی‌ای قرار گرفت که اشتیاق وافر به آن یافتند. تأثیر نظریه‌کنش‌های گفتاری در حوزه‌های کردارشناسی بینافرهنگی (لوم - کولکا و دیگران، ۱۹۸۹)، تدریس زبان ارتباطی (ویدوسون، ۱۹۷۸) و برخی از نظریه‌های ادبی (پتری، ۱۹۹۰) همچنان به چشمگیرترین وجه، مشهود است (مترجم، به نقل از پین، ۱۳۸۶: ۵۰۸).

مقولات سایر موارد (Residual Categories) / مقولات باقی‌مانده (Remainder Categories)

مقولات سایر موارد، مقولات تهنشستی (به‌وسیله‌امیر ارجمند) و باقی‌مانده (به‌وسیله‌ فولادوند) نیز ترجمه شده است. روش باقی‌مانده (Residual Method) نیز روشی است که محقق در آن به مطالعه تنها یک مورد از پدیده‌ها می‌پردازد، همه معلول‌های علی را که از قبل نسبت به آن شناخت روشنی دارد حذف می‌کند و سپس کانون توجه خود را روشن‌ساختن روابط میان علت‌ها و معلول‌های باقی‌مانده قرار می‌دهد (فرهنگ جامعه‌شناسی آکسفورد، ۱۳۸۸: ۴۴۷). اما به نظر من، با توجه به واردشدن مفهوم "Remainder Categories" در این اثر (فصل سوم)، می‌توان اصطلاح "Residual Categories" را «مقولات سایر موارد» و اصطلاح "Remainder Categories" را «مقولات باقی‌مانده» ترجمه کرد.

در اینجا هر دو مقوله، اشاره به این امر دارند که ما در تبیین رویدادها، رویدادهای تبیین‌پذیر را در مقولات علی متفاوت طبقه‌بندی می‌کنیم و سپس، برای گریز از درهم‌ریختگی و آشفتگی، تمامی رویدادهای تبیین‌ناپذیر را در مقوله سایر موارد/ باقی‌مانده یا تهنشستی قرار می‌دهیم و تلاش می‌کنیم جبهه جادویی یا علت ناشناخته واحدی، مثل بازار، روح، خدا، جادو و مانند این را عامل بروز آنها معرفی کنیم. این امر، به‌ویژه در فجایع طبیعی یا غیرطبیعی (مدیریت شهری و حکمرانی و مانند این)، نوعی گریزگاه مفید نیز محسوب می‌شود: در فجایع و بلایای طبیعی، مردم به‌راحتی با مقصدانستن عاملی، خیال خود را راحت می‌کنند و در مشکلات شهری و مدیریتی نیز، حاکمان، با مقصدانستن عاملی، گناه را به گردن دیگری ناشناخته می‌اندازند و خود را مبرا نشان می‌دهند (مترجم).

فرهنگ مقاومت (Cultural Resistance)

در مطالعه‌ای که درباره مقاومت فرهنگی معاصر در کلمبیای غربی انجام شده است، میشل تاسیگ انسان‌شناس، اعمالی را تفسیر کرده است که به‌واسطه آنها «دهقانان» شدیداً غیرطبیعی و حتی شریر و شیطانی بازنمایی می‌شوند، اعمالی که بیشتر ما در جوامع مبتنی بر کالا در کارهای روزمره اقتصادیمان و بدین‌سان، در جهان [اطرافمان] به‌طور کلی، به‌مثابه امری طبیعی می‌پذیریم. این بازنمایی، نه در شیوه دهقانی زندگی، بلکه تنها، در پروتاریزه‌شدن آنها و سازمان‌دهی شیوه زندگی‌شان با روابط تولید سرمایه‌دارانه، مشخص می‌شود (تاسیگ، ۱۹۸۰: ۳).

طبق نظر تاسیگ، این اعمال که با باورهای شیطانی خاصی همراه است، به‌مثابه پاسخ جهت‌گیری پیشاسرمایه‌دارانه دهقانان به تجربه کالایی‌شدن بود که به‌طور فزاینده‌ای در معرض آن قرار گرفته بودند. به‌همین ترتیب، چندی از نویسندگان به مطالعه مقاومت در حوزه‌های دیگر پرداختند؛ برای مثال، مقاومت [وجه]

<p>تولید «خرده کالایی» در گواتمالا، به‌مثابه جایگزینی برای [وجه] تولید سرمایه‌دارانه کامل، شیوه‌ای که مردم آند از جوامع خود در برابر دست‌اندازی تجاری و سرمایه‌دارانه دفاع کردند (مالون، ۱۹۸۳؛ سی. اسمیت، ۱۹۸۴).</p> <p>پاسخ‌های جوامع جهان سومی به بسط و گسترش سرمایه‌داری، اخیراً به علایق مهم انسان‌شناسی تبدیل شده است. آثاری چند که به سؤال درباره مقاومت علاقه‌مندند، در تحقیقاتی درباره فرایند تاریخی، اعمال اجتماعی و واسطه‌گری نمادین، درهم تنیده شده‌اند تا به چنین سؤالاتی پاسخ گویند. اما این پدیده را باید در معنای وسیع‌ترش درک کرد؛ یعنی، به‌مثابه خلق سوژه‌ای زایا در فرهنگ مدرن که با رفتار معین و غوطه‌ورشدن در اعمال خاص مشخص می‌شود. این امر ایجاب می‌کند که ما سرمایه‌داری را نه تنها در معنای تولید و به طرز تنگ‌نظرانه، با اقتصاد سیاسی، بلکه به‌مثابه تظاهرات آن چیزی تعریف کنیم که شاید بتوان اقتصاد غربی نامید؛ اقتصادی که به‌مثابه مجموعی از سه نظام که در اواخر قرن هجدهم در شمال غربی اروپا در هم امتزاج یافتند، فهمیده می‌شود: نظام تولید (به‌طور کلی، اقتصاد جهانی سرمایه‌داری)، نظام قدرت (سازوکارهای بهنجارسازی و انضباطی) و نظامی از دلالت (ایدئولوژی، علم و بازنمایی، شامل روندهای فلسفی از قبیل لیبرالیسم و فایده‌گرایی و رمزگان مسلطی که در اطراف انگاره‌های کار و تولید مفصل‌بندی شده است). ما تنها به این طریق می‌توانیم به ماهیت اقتصاد غربی و اهمیت بسط و گسترش آن در باقی جهان، پی ببریم (مترجم، به نقل از آرتور اسکوبار، ۱۹۸۸: ۴۳۷-۴۳۸).</p>
<p>پایداری محیطی (Environmental Sustainability)</p> <p>پایداری محیطی به توسعه پایدار اشاره دارد که در آن تلاش می‌شود در حین توسعه شهری - صنعتی، به محیط طبیعی آسیب چندانی نرسد (مترجم).</p>
<p>آداب عبور (Rite Of Passage)</p> <p>آداب عبور، آداب، مراسم یا عمل خاصی است که نشانه مرحله جدیدی در زندگی فرد است؛ به‌ویژه، وقتی پسری می‌خواهد مرد شود (فرهنگ واژگان لانگمن، ۲۰۰۶: ۱۳۲۶).</p>
<p>بدن / اندیشه‌ورزی، بدن اندیشه‌ورز (Body-Thinking, Thinking Body):</p> <p>بدن در برابر اندیشه‌ورزی یا بدن اندیشه‌ورز؟ این سؤالی بسیار بنیادین است. این جدایی و تقابل، به لحاظ فلسفی، مرهون روشنگری و اندیشه‌گرایی هگلی و نیز جداسازی بدن از اندیشه‌ورزی به‌وسیله دکارت بود و به لحاظ جامعه‌شناسی، مرهون تأکید جامعه‌شناسی جریان اصلی بر جدایی فاعل شناسا (انسان) از مفعول شناسا (طبیعت، جهان اجتماعی و مانند این) بود. اما مارکس و اندیشه‌های مبتنی بر مارکسیسم، بر نقش انسان به‌مثابه محمول آگاهی، آگاهی انسان واقعاً موجود و بدن اندیشه‌ورز (به جای تقابل بدن در برابر اندیشه‌ورزی) تأکید کردند.</p> <p>نظام سرمایه‌داری نوظهور که از ویرانه‌های فتودالیسم سر برآورده بود، ابزارهای شناختی متناسب با خود را نیز به همراه داشت. در فلسفه روشنگری، بدن، از اندیشه و اندیشه‌ورزی (تفکر - ذهنیت) جدا شد و انسان از طبیعت.</p>

جامعه‌شناسی جریان اصلی نیز که به قول ریتزر (۱۳۸۴: ۹) واکنشی در برابر مارکسیسم بود و تا حد زیادی اصول بنیادین خود را از روشنگری برگرفته بود (ریتزر، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۴)، بر این جدایی طبیعت از بدن انسان و بدن از اندیشه و اندیشه‌ورزی، تأکیدی دوچندان کرد. جامعه‌شناسی جریان اصلی در روش‌های خود، دستیابی به «عینیتی» را توصیه می‌کرد که جز با جدایی فاعل شناسا (انسان) از طبیعت، امکان‌پذیر نبود. در واقع، «عینیت» با شناسایی و درک طبیعت و جامعه، به طور بی‌طرف، ممکن می‌شد (گیدنز، ۱۳۸۱: ۴۶-۴۵). این امر، به معنای حذف «شناسایی» (درک و علم انسانی) از «فاعل شناسا» (انسان) بود.

سرمایه‌داری توانست، بر اساس جدایی ذهن و عین که محصول روشنگری و جامعه‌شناسی جریان اصلی بود، «دانش طرف‌دارانه» و اقتصاد سیاسی متناسب با خود را به مثابه «دانش بی‌طرف»، «دانش» به‌طور کلی، جا بزند. نظام سرمایه‌داری توانست «تاریخ» زمان زدوده‌شده و انسان زدوده‌شده‌ای ارائه دهد که بدون توجه به سیر تاریخ تکامل جوامع، با سرپوش گذاشتن بر سیر استعمار جوامع «مرکز» نظام سرمایه‌داری جهانی از کشورهای «پیرامونی»، کشورهای مرکز را توسعه‌یافته و کشورهای پیرامونی را توسعه‌نیافته یا عقب‌مانده جلوه دهد.

در بستر این هم‌پیوندی نظام جهانی سرمایه‌داری و حذف بدن و انسان و تاریخ تکاملی انسانی از «دانش» بود که به نام «بی‌طرفی»، دانش، تاریخ‌زدوده و بی‌زمان می‌شد. همان‌طور که در ذیل «دیدگاه بی‌زمان» تشریح شد، در بستر این دانش سرمایه‌دارانه بود که مطالعات اجتماعی مختلف، با مقایسه کشورهای توسعه‌یافته در مرکز نظام جهانی سرمایه‌داری با کشورهای توسعه‌نیافته یا جهان سوم، علت عقب‌ماندگی این کشورها، به نبود خصلت‌ها و ویژگی‌های روانی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در کشورهای پیرامونی نسبت داده شد (مثل مطالعات پارسونز، هولیتز، اسملسر، ایزنشتاد، لرنز، مک‌کله‌لند، هیگن، راجرز، شومپتر و روستو) نه تاریخی خونین از منازعات و کشمکش‌های استعماری که در آن، کشورهای مرکز توانستند طی تاریخی طولانی، برتری خود را در این نظام تثبیت نمایند (در این باره، نک: از کیا، غفاری (۱۳۸۴)). بعدها والرشتاین با نگاهی تاریخی و مبتنی بر مارکسیسم، کاستی‌های این روش‌های تحقیق را نشان داد (والرشتاین، ۱۹۹۹؛ ۱۹۹۶).

مارکس توانسته بود از تقابل «بدن در برابر اندیشه‌ورزی» فراگذرد و به مفهوم «بدن اندیشه‌ورز» رسد. وی هرچند در دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴ خود (که به نوعی مقدمه‌ای بر نقد اقتصاد سیاسی بود)، دیالکتیک هگلی را پذیرفت، اما نقد فوئرباخ بر اندیشه‌گرایی صرف وی را نیز پذیرفت (مارکس، الف ۱۳۷۷: ۳۳۰). فوئرباخ، هگل را به خاطر نادیده‌گرفتن طبیعت (فوئرباخ، ۱۸۳۹: ۱۳۱-۹۶) و انسان به نقد می‌کشد. وی تضاد تر و آنتی‌تز و در نهایت برآیند آنتی‌تز در اندیشه هگل را همگی از جنس اندیشه می‌داند و معتقد است هگل، محمول اندیشه، یعنی انسان را نادیده گرفته است (فوئرباخ، ۱۸۴۳: ۱۷۴-۱۷۳). فوئرباخ به جای آن، تأکید بر طبیعت و انسان را توصیه می‌کند؛ فلسفه‌ای که در آن، «خود موجود انسانی اندیشنده است؛ موجودی انسانی که ذات خودآگاه طبیعت، ذات تاریخ، ذات کشورها و ذات دین است و می‌داند که هست» (فوئرباخ، ۱۸۴۳: ۱۷۶). مارکس (در تره‌های خود) این تأکید بر طبیعت و انسان را می‌پذیرد؛ اما فوئرباخ را نیز به خاطر تأکید بر انسان غیرتاریخی، کلی، انتزاعی و مجرد، به نقد می‌کشد (مارکس، انگلس، پلخانف، ۱۳۷۹: ۸۳-۷۹) و ضمن تأکید بر اینکه آگاهی و اندیشه نمی‌تواند جدای از فرد و انسان اندیشه‌ورز باشد (مارکس، انگلس، پلخانف، ۱۳۷۹: ۲۹۴)، بر نقش انسان واقعاً موجود و فعالیت‌های پراتیک انسان در تاریخ تأکید می‌کند؛ بنابراین، به جای تأکید بر تقابل انسان / طبیعت و بدن / اندیشه‌ورزی، بر انسان طبیعی، انسان تاریخی و بدن اندیشه‌ورز تأکید می‌کند (مترجم).

زندانی سراسر بین (All-Seeing Prison)

زندانی سراسر بین طرحی است که بر اساس آن، زندانبان قابل رؤیت باشند، ولی زندانبان نه. در اینجا، راز معماری بنیاد فاش می‌شود؛ رازی که در آن زندانبان، مراقب زندانی است و زندانی را می‌بیند و تحت نظر می‌گیرد، بدون اینکه دیده شود. زندانی می‌داند همیشه در معرض دیده شدن است، بدون اینکه زندانبان، مراقب یا بیننده را ببیند. دیده می‌شود، بدون اینکه فردی که او را زیر نظر گرفته ببیند؛ می‌داند که در معرض دیده شدن است، بدون اینکه بداند در حال حاضر، دیده می‌شود یا نه یا اینکه چه کسی او را تحت نظر گرفته است. نوعی جداسازی جفت دیدن - دیده شدن، این امر عملکرد خودکار قدرت را تضمین می‌کند. این دستگاه معماری در واقع، ماشینی است برای خلق و حفظ مناسبات قدرت، مناسباتی مستقل از آن کس که آن را اعمال می‌کند (مترجم، برگرفته از فوکو، ۱۳۷۸، فصل سوم: سراسر بین).

امر عمومی (The Public)

این کلمه، در جامعه اروپایی، آن گونه که تلاش می‌شود نشان داده شود، امری ابدی و ازلی نیست، بلکه محصول فرم‌اسیون یا صورت‌بندی ویژه اقتصادی - اجتماعی سرمایه‌داری است. هابرماس در کتاب *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی*؛ *کاوشی درباره جامعه بورژوازی* (۱۳۸۶)، سیر معنایی این مفهوم را از یونان دنبال می‌کند که در آن حوزه عمومی در "Polis" فضای باز شهروندان محسوب می‌شد و افراد در آن به عنوان افراد برابر ("Homoioi") حضور داشتند. این حوزه در برابر حوزه Oikos قرار داشت که هر کس "Idia"ی خود را داشت. این کلمه مربوط به خانواده و تهیه لوازم حیات و ضروریات زندگی بود که در حوزه Oikos پنهان و در آن محصور بود. وی تصور این مفهوم را در قرون وسطی دنبال می‌کند که در آن مقولات خصوصی و عمومی و حوزه عمومی، در Res Publica (امر عمومی، جمهوری) و در قالب حقوق رومی، مطرح شده بود. تنها، در دوران بورژوازی بود که این مفهوم، در رابطه با فرم‌اسیون اقتصادی - اجتماعی ویژه سرمایه‌داری، در رابطه با مالکیت، حقوق خصوصی و نقش دولت‌ملت‌ها معنا یافت.

از آنجا بود که ساختمان‌ها، نهادها و خدمات دولتی، همگی "Public" (عمومی) خوانده می‌شدند؛ چیزی که بر حق استفاده مشترک از آن اشاره دارد.

از اینجا بود که این اصطلاح به همراه تمامی ترکیبات آن، هم معنای عمومی و مشترک و هم معنای دولتی یافت (مثل خدمات دولتی یا عمومی، مراکز دولتی یا عمومی)؛ چیزی که در تلاش برای غیرشخصی کردن دستگاه دولت انجام می‌شد. او سپس بر نهادهای حوزه عمومی اشاره می‌کند که در قرن هجدهم و با ظهور بورژوازی از سیطره دربار نجات یافتند. به‌زعم وی، در این معنا فضاهای بحث و نقد عمومی بحث باز و آزاد شهروندان آزاد در قهوه‌خانه‌ها، به سمتی پیش رفت که به مثابه نهادهای خاص حوزه عمومی (محافل بحث، انجمن‌ها ادبی) بتواند جای خود را به عمومیت مبتنی بر نمایندگی دربار دهد. به‌زعم وی، همین نهادها بودند که افراد خصوصی را قادر می‌ساخت حوزه عمومی دولتی را تحت کنترل خود درآورند و آن را به حوزه انتقاد از قدرت دولت تبدیل کنند (هابرماس، ۱۳۸۶: فصل اول و دوم).

کوشش هابرماس در شناخت سیر تحول این مفهوم در بستر فرم‌اسیون‌های اقتصادی - اجتماعی برده‌داری، فئودالی و سرمایه‌داری حائز اهمیت است، اما این، تنها بوردیو است که به‌ویژه در کتاب *نظریه کنش خود* (۱۳۸۰)، نشان می‌دهد چگونه افراد و گروه‌های اجتماعی فرادست که صاحبان سرمایه‌ها و ابزارهای تولید سرمایه‌های

مختلف در میدان‌های مختلف هستند، برای بازتولید سرمایه‌های خود و تأثیر بر نرخ تبدیل سرمایه‌ها، به چنگ‌اندازی بر دولت یا اعمال قدرت بر دولت، روی می‌آورند تا بتوانند خواست و دستگاه فاهمه‌ای - گفتمانی و منافع خود را به‌مثابه امر عمومی و مشترک (The Public) در جامعه بسط دهند.

دولت‌ملت به‌مثابه حاصل امر عمومی - مشترک فرماسیون اقتصادی - اجتماعی بورژوازی، محصول فرایند تکامل انواع مختلف سرمایه از قبیل سرمایه نیروی فیزیکی (یا ابزارهای اجبار مثل ارتش و پلیس)، اقتصادی، فرهنگی یا به تعبیر بهتر، سرمایه اطلاعاتی و سرمایه نمادین است. دولت به‌مثابه امری عمومی، امری مشترک یا خیر عموم، در دست افراد فرادست در میدان‌های مختلف قرار می‌گیرد و آنها با نهادهای بی‌شمار (از ثبت شناسنامه گرفته تا رسانه‌ها و مراکز آموزشی و مانند این) به تحمیل و القای اصول و ماندگار نگرش و تقسیم‌بندی، یگانه‌سازی فرهنگی و زبانی و تأثیر بر اشکال و مقولات درک و تفکر مشترک، قالب‌های اجتماعی حس، تمیز یا حافظه، ساختارهای فکری مشترک می‌پردازد و تلاش می‌کند با جهان‌شمول جلوه‌دادن آن شیوه‌های مورد نظر خود به‌مثابه امری جهان‌شمول، به سرکوب نمادین افراد و گروه‌های فرودست در میدان‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بپردازد و همه امر عمومی را در خدمت منافع خصوصی خود قرار می‌دهند (بورديو، ۱۳۸۰: ۱۷۰-۱۴۳). اینجاست که امر عمومی بورژوازی، بسیار فریبنده است و باید افشا گردد.

به طور خلاصه، اینجا هیچ امر عمومی و مشترکی وجود ندارد و افراد دارای سرمایه‌های مختلف و ابزارهای تولید آن در میدان‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مختلف، تلاش می‌کنند تا با چنگ‌انداختن بر دولت، منافع خاص خود را دنبال کنند و این کار را به طرز فریبنده‌ای به نام امر عمومی و امر مشترک انجام می‌دهند. در اینجا است که می‌توان امر عمومی بورژوازی را نوعی امر خصوصی سرمایه‌دارانه نیز ترجمه کرد و باید رد تمامی چیزهایی را که در فرماسیون سرمایه‌داری داعیه خیر عموم و امر عمومی دارند (مثل برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌های عمومی و مانند این)، در منافع خصوصی این افراد و گروه‌ها دنبال کرد (مترجم).

سرمایه اجتماعی (Social Capital)

به‌زعم بورديو «سرمایه اجتماعی، مجموعه منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل یا به عبارت دیگر، با عضویت در گروه است؛ شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد» (بورديو، ۱۹۸۶: ۵۱). این تعریف از سرمایه اجتماعی، دلالت بر این دارد که سرمایه اجتماعی دو جزء سازنده دارد: تعداد شبکه‌های افراد و میزان سرمایه که دیگر بخش‌های شبکه داشته و افراد به این سرمایه دسترسی دارند (آپلن، ۲۰۰۵: ۴۹۴).

سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از تماس‌ها، رابطه‌ها، آشنایی‌ها، دوستی‌ها، دین‌ها (مطالبات یا دیون نمادین) هستند که به عامل «وزن» اجتماعی کم یا بیش سنگین، قدرت کنشی و واکنشی کم یا بیش زیاد می‌بخشد که بر حسب کیفیت و کمیت شبکه‌های ارتباطی و پیوندهایی است که وی را به افراد دیگر وصل می‌کند. «سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از منابع موجود یا بالقوه‌ای است که به مالکیت شبکه پایداری از روابط کم یا بیش نهادینه‌شده افراد بستگی دارد؛ افرادی که یکدیگر را می‌شناسند و خود را مدیون یکدیگر می‌دانند یا به عبارت دیگر، تعلق به یک گروه، به عنوان مجموعه عاملانی که نه فقط صاحب حیطه‌های مشترک هستند، بلکه با پیوندهای پایدار و سودمند به یکدیگر وابسته‌اند. این حیطه‌های مشترک با عینک مشاهده‌گر بیرونی، دیگران یا خود این عاملان رؤیت‌پذیرند» (شوپره، ۱۳۸۵: ۹۹).

«نزد بورديو، سرمایه اجتماعی، ... حاصل استفاده از شبکه‌ای از روابط کم‌ویش نهادینه‌شده آشنایی یا بازشناختن دوسویه است» (ریترز، ۲۰۰۵: ۷۶). «به عبارت دیگر، شبکه‌ای از روابط که موجب تولید استراتژی‌های سرمایه‌گذارانه می‌شود که به طور فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه، درصدد ایجاد یا بازتولید روابطی اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه‌مدت یا درازمدت ... قابل استفاده‌اند» (بورديو، ۱۹۸۶: ۵۲). این سرمایه را می‌توان در میدان‌ها و موقعیت‌های مختلف، با نرخ‌های مختلف، به دیگر سرمایه‌ها (اقتصادی و فرهنگی و سیاسی) تبدیل نمود (مترجم).

اقدام جدید (New Deal)

برنامه‌ریزی برای تغییرات اقتصادی و اجتماعی که ابتدا برای کمک به افرادی که در اثر رکود عظیم مشاغل، دارایی‌های خود را از دست داده بودند، در سال ۱۹۳۳ به‌وسیله رئیس‌جمهور آمریکا، فرانکلین روزولت، مطرح شد. این برنامه شامل پرداخت وام به کشاورزان و برنامه کارهای دولتی (کار در جاده‌سازی‌های جدید، ساختمان‌های دولتی و مانند این که دولت هزینه‌های آن را می‌پرداخت) نیز می‌شد. همچنین این برنامه، در بریتانیا، در سال ۱۹۹۸ به‌وسیله دولت کارگری مطرح شد تا بتواند به افراد فاقد شغل، به‌خصوص کسانی که شغل خود را برای مدت طولانی از دست داده بودند، کمک کند. این برنامه یا به افراد شغل جدیدی می‌داد یا اینکه به آنها فرصت می‌داد تا آموزش‌های لازم برای کسب شغل جدید را به دست آورند (مترجم، به نقل از فرهنگ واژگان لانگمن، ۲۰۰۶).

پیشگامان احیای بازار مسکن (Housing Market Renewal Pathfinders)

پیشگامان احیای بازار مسکن طرحی بود که برای حل مشکل مناطقی که تقاضای کمی برای خانه‌هایشان وجود داشت و به نوعی متروکه بودند، به پیشنهاد دفتر نخست‌وزیری شروع شد. بر این اساس، در سال، نه منطقه مشخص شدند که می‌بایست مسئله تقاضای اندک مسکن آنها حل شود. انتظار می‌رفت که مشارکت‌کنندگان در این طرح، فراسوی مرزهای محلی، بتوانند برای پیشبرد برنامه استراتژیک برای ایجاد بازار مسکن و نیز حصول اطمینان از وجود همه عناصر لازم برای ایجاد جامعه پایدار، سهام‌داران و سرمایه‌گذارانی را به خود جلب کنند.

این برنامه در بازه زمانی ۱۰ تا ۱۵ سال مطرح شده بود و هدف آن، ایجاد و حفظ جامعه محلی پایدار و موفق بود که در آن حمایت دولتی (تأمین بودجه) در جهت کیفیت و انتخاب، موجب بهبود وضعیت اقتصادی و کیفیت زندگی شود. بر این اساس در سال ۲۰۱۸، کیفیت را تغییر داده‌ایم و طیف وسیعی از مسکن ایجاد کرده‌ایم که در سطوح مختلف برای همه دسترسی‌پذیر است. برنامه‌های پیشگام، به ایجاد و حراست از محلات موفق، یعنی جایی که مردم برای زندگی برمی‌گزینند و در آن سهم عمده‌ای در احیای اقتصادی و اجتماعی جامعه محلی خواهند داشت، کمک شایانی خواهد کرد. نه منطقه به‌مثابه مناطق پیشگام مطرح شدند که یکی از آنان یورکشایر جنوبی (Yorkshire) بود (مترجم، به نقل از سایت اصلی شورای برنامه‌ریزی جامع روترهام در جنوب یورکشایر: <http://www3.rotherham.gov.uk>).

مشارک (Actant)

در نظریه ادبی، به هر شخص، موجود یا شیئی که در هر مجموعه‌ای از نقش‌های فعال در یک روایت ایفای نقش می‌کند، مشارک گفته می‌شود (فرهنگ واژگان آنلاین آکسفورد). نظریه ادبی، گرماس، با رویکردی ساختارگرایانه، شخصیت را جزئی از متن و تابع کنش می‌داند. همان‌طور که در ذیل واژه‌تقابل‌های دوقطبی (Binary Oppositions) گفته شد، ساختارگرایان، زبان را در تقابل‌های زبانی می‌فهمند. بر این اساس، برای فهم ساختار زبان، ابتدا می‌بایست تقابل‌های متن را درک کرد (تایسن، ۱۳۸۷: ۳۶۴). گرماس بر این اساس، به سطحی از تفکر پیش‌زبانی قائل است و معتقد است که در آن سطح، تقابل‌ها در قیاس با انسان قرار می‌گیرند و به عنوان یک مشارک (Actant) در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. با توسعه زمانی این تقابل، روایت خلق می‌شود. گرماس توضیح می‌دهد که اگر به این مشارک‌ها خصلت‌هایی اجتماعی یا فرهنگی داده شود، به نقش (Role) در کنش داستانی بدل می‌شود و اگر به آنها ویژگی‌هایی داده شود که به آنان فردیت می‌بخشد، به کنشگر (Actor) یا همان شخصیت تبدیل می‌شوند (اسکولز، ۱۳۸۳: ۱۴۷) (مترجم).

سویژکتیویته / سوژگی (Subjectivity)

نظام سرمایه‌داری و دانش هم‌پیوند با آن، یعنی دانش اثباتی، در تلاش بود تا با تکیه بر عینیت‌گرایی، بر اشیای فی‌نفسه، موجودیت‌های مسلم و انسان‌زدوده که نسبت به انسان خارجی، ضروری و مسلم هستند، متمرکز شود. در این دانش، انسان به یک پدیده در میان سایر پدیده‌های اجتماعی فروکاسته می‌شد. اما رویکرد مقابل آن، یعنی نظریه‌های ساختارگرایی و مارکسیستی و روان‌کاوی، «نشان می‌دهند که چگونه سوژه برساخته می‌شود. همچنین سوژه می‌تواند به معنای فاعل و عامل شناسایی، ذهن و همچنین موضوع مطالعه» (فرهنگ واژگان آکسفورد، ۱۹۹۴: ۶۵۱) مورد تأکید قرار گیرد. اندیشه مارکسیستی با فراگذشتن از تأکید هگل بر ذهنیت و تأکید فوئرباخ بر عینیت، تفکر خود را بر ماتریالیسم دیالکتیک استوار ساخت و با معرفی پراکسیس به‌مثابه مفهومی دربردارنده دیالکتیک ذهن و عین، بر این تقابل پل می‌زند. پس از آن، چه در نظریات تحلیل گفتمان و چه نظریات جامعه‌شناسی، شاهد تلاش‌های زیادی در این راستا (پل‌زدن میان ذهنیت و عینیت) هستیم که به‌جرت می‌توان گفت، این تلاش‌ها در بهترین حالت، به اندیشه مارکس نزدیک شدند. نگارنده در طی تلاشی نظری (در پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، به پیگیری این تلاش‌ها در دوران پس از مارکس پرداخت. در این تلاش، ضمن تشریح سیر تکامل نظری اندیشه‌های گفتمانی تا لاکلاو و موفه و اندیشه‌های جامعه‌شناسی تا بوردیو، به نقد هر دو جریان از منظر ماتریالیسم دیالکتیک پرداخت.

در این اثر، نگارنده کوشید تا ضمن نقد جریان گفتمانی و به‌ویژه تأکید ذهن‌گرایانه و موقتی لاکلاو و موفه بر نقش سوژگی و نقد جریان جامعه‌شناختی، به‌ویژه تأکید عینیت‌گرایانه بوردیو بر کنش عملی و سیه‌روزی جهان، با فراگذراندن این دو جریان در یکدیگر (بر اساس روش دیالکتیک)، از معانی مفاهیم رایج در این دو جریان فراگذرد و بدین‌سان، اندیشه «اقتصاد گفتمان» را ارائه دهد که به نسبت، تلاشی برای نزدیک کردن جریان‌های نظری پس از مارکس، به اندیشه ماتریالیسم دیالکتیک بود (مترجم، برای مطالعه بیشتر، بنگرید به «نظریه اقتصاد گفتمان»، فصل دوم «منطق گرایش اقصاء مختلف به گفتمان انقلابی ۵۷» (۱۳۹۱)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، محمد خانی).

قانون فقر (Poor Law)

این قانون که در سال ۱۸۳۴ به تصویب رسید و بر اساس آن، مراکز اقامت اجباری تأسیس شد که در آن «فقرا، بیکاران، مجرمان و دیوانگان محبوس و مجبور به کار می‌شدند» (فوکو، ۱۳۸۵: ۷۵-۵۰). در باور بسیاری، این مراکز، موجب کاهش هزینه مراقبت از فقرا، جمع‌آوری آنها از خیابان‌ها و تشویق فقرا به کار سخت برای خودشان می‌شد (سایت آرشیو ملی انگلستان). این قانون تا قبل از جنگ جهانی دوم و روی کار آمدن دولت‌های رفاهی، در بسیاری از کشورهای اروپایی وجود داشت. فوکو در کتاب ارزشمند تاریخ جنون خود (۱۳۸۵)، این فرایند را به طور منحصربه‌فردی، تشریح می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه در گفتمان حاکم در نظام سرمایه‌داری، دانش، مقتضیات اقتصادی و قدرت هم‌پیوند و دست‌در دست یکدیگر پیش می‌روند. به‌زعم وی، تأسیس این مراکز، هم‌پیوند با بحران‌های نظام سرمایه‌داری و دانش حاکم در آن دوران بود. «اقامت اجباری... در سراسر اروپا معنایی واحد داشت؛ یکی از پاسخ‌ها و راه‌حل‌های قرن هفدهم برای رویارویی با بحرانی اقتصادی بود که کل جهان غرب را گرفتار کرده بود: کاهش حقوق‌ها، بیکاری، کمبود پول و مجموعه پدیده‌هایی که احتمالاً از بحران در اقتصاد اسپانیا نشئت می‌گرفت» (فوکو، ۱۳۸۵: ۶۱).

هنگام بحران و بیکاری‌های شدید، این اقامتگاه‌های اجباری حکم سرکوب شدید را داشت «اما اقامت اجباری در غیر دوره‌های بحران، معنایی دیگر کسب کرد و علاوه بر سرکوب، کارایی جدیدی یافت. در آن هنگام، هدف، نه محبوس کردن بیکاران، بلکه اشتغال محبوسان و به‌خدمت گرفتن آنان در جهت رونق همگانی بود. توالی و چرخش اهداف آشکار است: نیروی کار ارزان در دورانی که تقاضا برای آن وافر و دستمزدها بالاست، و دفع بیکاری و حمایت از اجتماعی در برابر شلوغی و آشوب در دوران بیکاری و بحران» (فوکو، ۱۳۸۵: ۶۳). این اقامتگاه‌های کار اجباری که در تمامی اروپا گسترده شده بود، در دوران بحران و مشکلات اجتماعی ناشی از بیکاری دوران بحران سرمایه‌داری، با اقامت اجباری بیکاران در این مراکز و دور ساختن آنان از سطح جامعه و در دوران رونق اقتصادی، با استفاده از کار اجباری و بهره‌گیری از نیروی کار ارزان، بحران‌های سرمایه‌داری را پوشش می‌دادند (مترجم).

تصویر اقامتگاه‌های کار اجباری. منبع: سایت آرشیو ملی انگلستان



راهبرد کناره‌گیری فعال (Active Boycott Strategy)

«راهبرد کناره‌گیری فعال»، اصطلاحی است که ترجیح می‌دهم در اینجا برای حل این مسئله بفرغ وضع کنم. در اینجا کناره‌گیری فعال می‌تواند راهبرد مناسبی باشد. وقتی تمامی امر سیاست و سیاست‌گذاری، مبتنی بر دخالت‌دادن ساخت‌یافته، بی‌خطر و بی‌آزار مردم در امور اجتماعی و شهری و گاهی سیاسی هستند، این راهبرد می‌تواند مفید باشد. وقتی تمامی امر دخالت‌دادن ساخت‌یافته، به این منظور است که در بدترین حالت، با دخالت‌دادن مردم به صورت تماشاچی در جشنواره‌ها، جشن‌ها، سامانه‌های نشاط، یا در بهترین حالت، به صورت ناظر یا منتقد ساخت‌یافته در آوردن آنها در جلسات، نشست‌ها، هیئت‌انامی محله، شورایی‌ها یا مدیریت محله که عملاً قدرت تغییر و تأثیرگذاری اندکی دارند (گزاره‌ای حاصل از تجربه عینی من در مدیریت محله)، از اعتراضات خشونت‌آمیز برای تغییر وضع موجود جلوگیری کنند، این راهبرد می‌تواند راهبرد مؤثری باشد. آنها می‌کوشند تا با نمایندگانی ساخت‌یافته و با دخالت‌دادن آنان به‌مثابه نمایندگان مردم، جای خالی «مردم» را پر کنند. اما راهبرد کناره‌گیری فعال، راهبرد کناره‌گیری از این دخالت‌دادن‌های ساخت‌یافته است، اما نه در ازای خانه‌نشینی، بلکه چیزی که با «خیابان» پیوند نزدیکی می‌یابد یا چیزی که در کلام سیمون ابرام (نویسنده کتاب فرهنگ و برنامه‌ریزی)، موجب می‌شود تا این بار «انبوه خلق» به‌جای «مشارکت ساخت‌یافته» به‌مثابه «شهروندان رام»، «با چکش پشت درهای شهرداری» یا محل‌های سیاست‌گذاری عمومی «ازدحام کنند» (آبرام، ۲۰۰۸: ۱۰۸). این راهبرد، نه توصیف وضع موجود، نه کاریکاتورهایی از حضور «مردم» در امر سیاست‌گذاری شهری، بلکه راهبردی برای تغییر وضع موجود است (مترجم).

وابستگی رفاهی (Welfare Dependency)

نیکولای گنچف در مقاله «اسطوره وابستگی رفاهی» (The Myth Of Welfare Dependency) در فصلنامه سوسیالیسم بین‌الملل (International Socialism Journal) به تعریفی انتقادی از این مفهوم می‌پردازد. بر این اساس، «انگاره فرهنگ جدید وابستگی رفاهی، آخرین توجیه برای حمله به [سیستم] رفاهی بود. آنها مدعی‌اند که زندگی مبتنی بر اعانه‌های دولتی، میل فرار از فقر و یافتن شغل را از بین می‌برد و از این‌رو، دولت‌های رفاهی را متهم می‌کنند که با فراهم‌آوردن شرایط ابتدایی زندگی، موجب این پیامدها می‌شوند. آنها می‌گویند، جامعه نباید از این افراد حمایت کند. بسیاری از کسانی که این انگاره را پذیرفته‌اند، می‌گویند، این وابستگی به رفاه، دشمن کارگران صادقی است که با پرداخت مالیات، برای این خدمات هزینه می‌پردازند» (گنچف، ۱۹۹۵). مطالعه کلیه مقالات موجود در این نشریه که در سایت زیر موجود است، در فهم رویکردی انتقادی به مسائل برنامه‌ریزی شهری می‌تواند مفید باشد (مترجم).
<http://pubs.socialistreviewindex.org.uk/isj/contents.htm>

نیمبیمی‌گرایی (nimbyism):

نیمبیمی‌گرایی یا خودمحوری را که از نیمبیمی (NIMBY) که مخفف (Not In My Back Yard) است برگرفته شده، به حالتی می‌گویند که ساکنان یک منطقه معتقدند توسعه نیاز است، ولی نمی‌خواهند شاهد فرایندهای توسعه (مثل محل فرارگرفتن پمپ بنزین، سطل‌های زباله شهری و مانند این) در منطقه خود و نزدیک محل اقامتشان باشند (مترجم).

اشتباه مقوله‌ای (Category mistake)

این اصطلاح به وسیله فیلسوف انگلیسی، گیلبرت ریل (۱۹۰۰-۱۹۷۶) وضع شده است. مطالعات وی، بر فلسفه ذهن و زبان متمرکز بود. مهم‌ترین اصطلاحی که او وضع کرد، «روح در ماشین» بود. این اصطلاح به روح در دوگانه‌انگاری رنه دکارت اشاره داشت. ریل معتقد بود که ذهن به هیچ وجه، هستی متمایزی، جدای از بدن نیست و فرایندهای ذهنی، صرفاً توصیفی برای فرایندهای جسمانی در مغز جسمانی ما هستند. ریل همچنین، در کتاب مفهوم ذهن خود، با وضع «اشتباه مقوله‌ای»، سعی در توصیف مسائل دوگانه‌انگاری داشت. در واقع، به نظر وی، وقتی فیلسوف از ذهن به مثابه یک هستی مجزا سخن می‌گوید، با هم‌سطح قرار دادن رویدادهای ذهنی و جسمانی در یک سطح «اشتباه مقوله‌ای» گرفتار شده است. او در کتاب خود، مثال‌های دیگری نیز از اشتباه مقوله‌ای می‌آورد. او فردی را فرض می‌کند که آورده‌ایم تا اطراف دانشگاه را نشانش بدهیم؛ در این تور، به این شخص دپارتمان‌های مختلف دانشگاه، کتابخانه‌ها، موزه‌ها، زمین ورزش، کلاس‌ها و دفاتر نشان داده می‌شود. آن‌گاه آن شخص می‌گوید: «من دپارتمان‌ها، کتابخانه‌ها، موزه‌ها، زمین‌های ورزش، کلاس‌های درس و دفاتر را دیدم، اما دانشگاه کجاست؟» در این مثال، شخص مرتکب اشتباه مقوله‌ای شده است، زیرا فکر کرده مفهوم انتزاعی دانشگاه چیزی مجزای از (و در سطح وجودی برابر با) کلاس درس و کتابخانه و مانند این است (نک: گرگیاس آناگوستوفلوس، ۲۰۰۹: ۱۶۰، همچنین، سایت نمایه فلسفی (<http://www.philosophy-index.com/ryle/>) نیز در این باره اطلاعات مفیدی به دست می‌دهد) (مترجم).

نقطه انفجار یا توسعه انفجاری (Ground-zero)

نقطه انفجار که در فرهنگ واژگان مختلف (از جمله، فرهنگ واژگان انگلیسی کالینز (۱۹۹۱)، فرهنگ واژگان امریکایی هرتیج (۲۰۰۱)، فرهنگ واژگان ماریام-وبستر و گارفیلد (۱۹۹۹) و فرهنگ واژگان پیشرفته لانگمن (۲۰۰۰) و مانند این)، به مرکز گسترش سلاح‌های هسته‌ای اشاره دارد، مباحث توسعه، به مرکز توسعه یا تغییر انفجاری اشاره دارد (فرهنگ واژگان آزاد، ۲۰۱۲؛ برگرفته از سایت‌های اینترنتی <http://www.veteranstoday.com> و <http://www.thefreedictionary.com>)؛ بنابراین، به نظر مترجم این اثر، می‌توان این کلمه را مجازاً به توسعه انفجاری نیز برگرداند (مترجم).

واژه‌نامه

Real Communities	اجتماعات روستایی
Performance	اجرا
Sense Of Community	احساس [همبستگی با] جامعه محلی
Sense Of Belonging	احساس مالکیت
Urban Renewal	احیای شهری
Modern Mercantile Morality	اخلاق تجاری مدرن
Arbitrary Will	اراده اختیاری
Essential Will	اراده ذاتی
Non-Verbal Communication	ارتباط غیرشفاهی
Value Of Action	ارزش عمل
Historical Values	ارزش‌های تاریخی
Aesthetic Values	ارزش‌های زیبایی‌شناختی
Face Value	ارزش‌های صورتی
Cultural Values	ارزش‌های فرهنگی
Narrative Strategies	استراتژی‌های روایی
Biological And Social Metaphors	استعاره‌های زیستی و اجتماعی
Mystical	اسرارآمیز
Category Mistake	اشتباه مقوله‌ای
Moral Persons	اشخاص اخلاقی
Descriptive Term	اصطلاح توصیفی
Common Terms	اصطلاحات کلی
Public Information	اطلاعات عمومی
Use Of Force	اعمال زور

Analytical Horizons	افق تحلیلی
Public Opinion	افکار عمومی
Personal Authority	اقتدار شخصی
Ethnic Minorities	اقلیت‌های قومی
Cultural Imperialism	امپریالیسم فرهنگی
Social Degradation	انحطاط اجتماعی
Messy Humanity	انسان نامرتب / نامنظم
Human-Ness	انسان بودن
Anthropological	انسان‌شناختی / انسان‌شناسانه
Anthropologist/Ethnographer	انسان‌شناس
Early Social Anthropologists	انسان‌شناسان اجتماعی اولیه
Anthropology	انسان‌شناسی
Social Anthropology	انسان‌شناسی اجتماعی
Comparative Anthropology	انسان‌شناسی تطبیقی
Urban Anthropology	انسان‌شناسی شهری
Cultural Anthropology	انسان‌شناسی فرهنگی
Idea Of Peoplehood	انگاره مردم‌بودگی
Conceptual Ideas	انگاره مفهومی
Citizenship Test	آزمون شهروندی
Familiar	آشنا
Spatial Planning	آمایش سرزمینی
Utopian Future	آینده آرمانی
Contemporary Future	آینده معاصر
Religious Doctrine	آیین مذهبی
Critical Reflection	بازاندیشی انتقادی
Figure-Ground Game	بازی شکل و زمینه
Perspective Games	بازی‌های چشم‌اندازها
Public Sector	بخش عمومی، بخش دولتی
Social Body	بدن اجتماعی
Social Body	بدن اجتماعی
Mindful Body	بدن آندیشنده
Mindful Body	بدن آندیشنده
Professionalized Body	بدن حرفه‌ای / بدن تخصص‌یافته
Individual Body-Self	بدن - خود منفرد با اختصاصی
Body Politic	بدن سیاسی
Political Body	بدن سیاسی

Disembodiment	بدن زدودگی
Disembodied	بدن زدوده
Bureaucratic Bodies	بدن‌های اداری
Physical Bodies	بدن‌های مادی
Disciplined Bodies	بدن‌های مراقبت‌شده
Undisciplined Bodies	بدن‌های مراقبت‌نشده / نامنضبط
Actual Bodies	بدن‌های واقعی
Abstract Calculation	برآورد انتزاعی
Factual Calculation	برآورد واقعی
Culture-Contact	برخورد فرهنگی
Statistical Construct	برساخته آماری
Cultural Construction	برساخته فرهنگی
Individual, Moral And Cultural Construction	برساختن فرهنگی، اخلاقی و فردی
Masterplan	برنامه جامع
Human-Non-Human Planning	برنامه‌ریزی انسانی - غیرانسانی
Planning Strategic	برنامه‌ریزی راهبردی
Democratic Enlightened Planning	برنامه‌ریزی روشنگرانه دموکراتیک
Planning Of Culture	برنامه‌ریزی فرهنگ
Local Planning	برنامه‌ریزی محلی
Participatory Planning	برنامه‌ریزی مشارکتی
Regional Planning	برنامه‌ریزی منطقه‌ای
Strategic Plans	برنامه‌های استراتژیک
Textual Plans	برنامه‌های مبتنی بر متن
Ethnic Riots	بلواها / آشوب‌های قومی
Cultural Fundamentalism	بنیادگرایی فرهنگی
Nation-State Rational Bureaucracy	بوروکراسی منطقه‌ای دولت‌ملت
Retrospectively	به طرز واپس‌نگرانه
Symmetrically	به طور متقارن
Complementarily	به طور مکمل
Being Normal	بهنجاری‌بودن
General Normality	بهنجاری همگانی
Social Cohesion	به هم‌پیوستگی اجتماعی
Outsiders	بیگانگان / غریبه‌ها
Abnormals	بی‌هنجاری‌ها
Purification	پالایش
Environmental Sustainability	پایداری محیطی

Cultural Phenomenon	پدیده فرهنگی
Fieldworker	پژوهشگر میدانی
Post-Hoc	پس‌رویدادی
Background	پس‌زمینه
'Win-Win' Outcomes	پیامدهای برد-برد
Forecast	پیش‌بینی
Predictable	پیش‌بینی‌پذیری
Pre-Exist	پیش‌حضور
Foreground	پیش‌زمینه
Body Politic	پیکره یا بدن سیاسی
Case History	تاریخ موردی
Planning Explanations	تبیین‌های برنامه‌ریزی
Proximal Experience	تجربه بی‌واسطه
Ethnographic Research	تحقیق قوم‌نگارانه
Cultural Analysis	تحلیل فرهنگی
Symmetrical Analysis	تحلیل متقارن
Resource Exploitation	تحلیل رفتن منابع
Communicative Sleights	ترفندهای ارتباطی
Social Mix	ترکیب اجتماعی
Cultural Mix	ترکیب فرهنگی
Urban Regeneration	ترمیم و بازسازی شهری
Large Scale Regeneration	ترمیم و بازسازی‌های پهن‌دامنه
Synergy	تشریک مساعی / هم‌کوشی
Public Image	تصور عمومی
Physical Demonstration	تظاهرات مادی
Social Determinants	تعیینات اجتماعی
Morphological Change	تغییر ریخت‌شناختی
Organisational Change	تغییر سازمانی
Culture Change	تغییر فرهنگی
Binary Oppositions	تقابل‌های دوقطبی
Literary Critical Techniques	تکنیک‌های نقد ادبی
Active Personhood	تکوین شخصیت‌سازنده
Schismogenesis	تکوین شکاف
Time Paradox	تناقض‌نمای زمان
Hermeneutical Web	تور هرمنوتیکی
Statistical Spread	توزیع آماری

Sustainability	توسعه پایدار
Financially-Driven Development	توسعه مالی محور
Developers	توسعه‌دهندگان
Development Abstract Economic	توسعه‌های اقتصادی انتزاعی
Thick Description	توصیف پرمایه
Illusion	توهم
Healing Magic	جادوهای شفابخش
Magic Of Planning	جادوی برنامه‌ریزی
Multicultural Society	جامعه چندفرهنگی
Secret Society Of Women	جامعه سری زنان
Tolerant Society	جامعه مبتنی بر مدارا
Society Nonracist	جامعه‌ای غیرنژادگرا
Homogeneous Society	جامعه‌ای متجانس / همگن
Sociality	جامعه‌جویی
Physicality	جسمانی‌بودن / تن‌بودگی
Sexuality	جنسیت
Advanced Industrial Societies	جوامع صنعتی توسعه‌یافته
House Societies	جوامع مبتنی بر خانه
Sustainable Communities	جوامع محلی پایدار
Elite Societies	جوامع نخبه
Disappearing World	جهان گم‌گشته
The Social Organisation Of Hope	جهت‌گیری اجتماعی امید
Conceptual Leap	جهش مفهومی
Life-Cycle	چرخه زندگی
Annual Cycle	چرخه سالانه
Communicative Turn	چرخش ارتباطی
Lifecycles	چرخه‌های زندگی
Multiculturalism	چندفرهنگ‌گرایی
Multinationalism	چندملیت‌گرایی
New Frame Of Reference	چارچوب مرجع
Thingness	چیزبودگی
Timeless Future-Present	حال - آینده بی‌زمان
Social Rights	حقوق اجتماعی
Economic Rights	حقوق اقتصادی
Political Rights	حقوق سیاسی
Local Government	حکومت محلی

Governmentality	حکومت‌داری
Feedback Loop	حلقه بازخورد
Social Circles	حلقه‌ها و محافل اجتماعی
Local Specificity	خاص‌بودگی مکانی
Body-Memory	خاطره بدنی
Lived Memory	خاطره زیسته
Metaphorical Household	خانواده استعاری
Hard Working Families	خانواده‌های زحمتکش
Physical Violence	خشونت فیزیکی
Symbolic Violence	خشونت نمادین
Privatisation Of Public Services	خصوصی‌سازی خدمات دولتی
Muting	خفگی
Self-Discipline	خود - انضباطی
Self-Image	خودپنداره
Arbitrary	خودسرانه
Self-Defeating	خودمتناقض
Fictive Kin	خویشاوندی ساختگی
Public Good	خیر عمومی
Data Meteorological	داده‌های هواسنجی
Social Knowledge	دانش اجتماعی
Socialised Knowledge	دانش جامعه‌پذیر شده
Un-Shared Knowledge	دانش غیرمشترک
Un-Embodied Knowledge	دانش فارغ از بدن
Local Knowledge	دانش محلی
Understanding Essentialist	درک ذات‌گرایانه
Understanding Superficial	درک صوری
Cultural Therapists	درمانگران فرهنگی
Interiority	درون‌بودگی
Representative Democracy	دموکراسی مبتنی بر نمایندگی
Capitalist Democracies	دموکراسی‌های مبتنی بر سرمایه‌داری
Hybridised Nature-Culture	دورگه فرهنگ - طبیعت
Archetypal Rehybridisation	دورگه‌سازی مثالی
Dichotomies	دوشتی‌ها
Idealistic State	دولت آرمانی
Quasi-Commercial State	دولت شبه‌تجاری
Dystopian Vision	دیدگاه نآرمان شهری

Alternative Views	دیدگاه‌های جایگزین / آترناتیو
Long-Term Planning Strategies	راهبردهای برنامه‌ریزی درازمدت
Narrative Strategies	راهبردهای روایی
Managerial Strategies	راهبردهای مدیریتی
Moral Behaviour	رفتار اخلاقی
Anti-Social Behaviour	رفتار ضداجتماعی
Constructive Behaviours	رفتارهای سازنده
Neighbourhood Campaigning	رقابت‌های محلی
Socio-Technical Relations	روابط اجتماعی - تکنیکی
Planning Procedures	روال‌های برنامه‌ریزی
Psychoanalytical Psyche	روان تحلیل‌گرانه‌ای
Psychoses	روان‌پریشی
Urban Village	روستای شهری
Cartesian Approach	رویکرد دکارتی
Body Language	زبان بدنی
Gesture-Language	زبان حرکتی
Time Market-Transaction	زمان بازار و معامله
Cyclical Or Repetitive Time	زمان تکراری و چرخشی
Social Time	زمان زندگی
Temporality	زمان‌مندی
Ethnic Contexts	زمینه‌های قومی
All-Seeing Prison	زندان سراسرین
Local Public Life	زندگی عمومی محلی
Structuralism	ساختارگرایی
Cyborgs	سازمان‌های سایبری
Mechanisms	سازوکارها
Autocratic Leadership Style	سبک رهبری استبدادی
Cultural Capital	سرمایه اجتماعی
Cultural Capital	سرمایه فرهنگی
Meta-Abstract Level	سطح ماورایی - انتزاعی
Governmental Hierarchy	سلسله‌مراتب حکومتی
General Democratic Literacy	سواد دموکراتیک همگانی
Policy Proposals	سیاست‌گذاری
New Labour Policy	سیاست‌گذاری نوکارگری
Consensual Politics	سیاست‌های مبتنی بر اجماع
Human-Thing Networks	شبکه‌های شیء - انسان

Personhood	شخص‌بودگی
Personality Of The Organisation	شخصیت سازمان
Depersonalised	شخصیت‌زدوده
Participants	شرکا / مشارکت‌کنندگان
Mongrel City	شهر دورگه
New Urbanism	شهرگرایی جدید
City Dwellers	شهرنشینان
Citizen	شهروند
Citizen-Consumer	شهروند - مشتری
Ideal Citizen	شهروند آرمانی
Ideal Citizen	شهروند آرمانی
Active Citizen	شهروند فعال
Wellbehaved Citizen	شهروند مؤدب و خوش‌رفتار
Citizenship Social	شهروندی اجتماعی
Political Citizenship	شهروندی سیاسی
Civil Citizenship	شهروندی مدنی
Citizenship	شهروندی / امر شهروندی
Naturalness	طبیعی بودن
Urban Design	طراحی شهری
Ordinariness	عادی‌بودگی
Categorical Mismatches	عدم تطابق‌های مقوله‌ای
Public Sphere	عرصه عمومی
Party Membership	عضویت حزبی
Backwards	عقب‌افتاده
Alternative Rationality	عقلانیت جایگزین
Scientific Rationality	عقلانیت علمی
Principal Rationality	عقلانیت مینا
Rationalities Of Planning	عقلانیت‌های [حاکم در] برنامه‌ریزی
Irrationality	عقلانیت‌های اقتصادی
Developmental Rationalities	عقلانیت‌های مبتنی بر توسعه
Environmental Rationalities	عقلانیت‌های محیطی
Central Rationalities	عقلانیت‌های مرکزی
Hygienic Rationality	عقلانیتی تروتمیز و بهداشتی
Post-Hoc Rationalisation	عقلانی‌سازی پس‌رویدادی
Science Of The State	علم دولتی
Alienating Practice	عمل بازاندیشانه

Cultural Practice	عمل فرهنگی
Public	عموم
Publicness	عموم‌بودگی
Objective	عینی
Non-Planners	غیربرنامه‌ریزان
Extra Care	فراقبتی
Meta-Category	فراقوله‌ای
Planning Processes	فرایندهای برنامه‌ریزی
Cultures Of Planning	فرهنگ برنامه‌ریزی
Analyse Culture	فرهنگ تحلیلی
Cultures In Planning	فرهنگ در برنامه‌ریزی
Group Culture	فرهنگ گروهی
Workplace Cultures	فرهنگ‌های مبتنی بر محل کار
Distinct Cultures	فرهنگ‌های متمایز
Political Pressures	فشارهای سیاسی
Spatiality	فضامندی
Environmental Activists	فعالان محیطی
Epidemiological Philosophy	فلسفه همه‌گیر
Mutual Understanding	فهم متقابل
Lexible	قابل تغییر
Cosmopolitan Cairo	قاهره جهان‌وطنی
Tribes	قبایل
Intermediate Contracts	قراردادهای متوسط
Folk Tales	قصه‌های قومی
Ethnography Of Migration	قوم‌نگاری چادرنشینی یا مهاجرت
Ethnographer(S)	قوم‌نگار(ان)
Ethnography	قوم‌نگاری
Urgent Ethnography	قوم‌نگاری فوری
Ethnographic/Ethnographical	قوم‌نگاری / قوم‌نگارانه
Ethnicity	قومیت
Indivisible Ethnicity	قومیت غیرقابل تقسیم
Shadow Cabinet	کابینه سایه
Functionalism	کارکردگرایی
Agent	کارگزار
Public Servants	کارمندان دولتی
Clan	کلان

Clans	کلان‌ها
Imaginary Wholes	کل‌های تخیلی
Meaningful Quantity	کمیت معنی‌دار
Speech Acts	کنش‌های گفتاری
Calculable Actions	کنش‌های محاسبه‌پذیر
Qualities Of Space	کیفیات فضا
Production Quality	کیفیت تولید
Quality Of Life	کیفیت زندگی
Quality Of Citizenship	کیفیت شهروندی
Temporal Transition	گذار زمانی
Repressed Social Group	گروه اجتماعی سرکوب‌شده
Archetypal Muted Group	گروه خفه‌شده مثالی
Interest Groups	گروه‌های ذی‌نفع
Ethnic Groups	گروه‌های قومی
Positive Speech	گفتار مثبت
Matriliny	مادرتباری
Quantifiable Exchanges	مبادلات کمیّت‌پذیر
Embodied	مبتنی بر بدن
Anthropological Texts	متون انسان‌شناختی
Ethnographic Texts	متون قوم‌نگاری
Public Bodies	مجموعه‌های دولتی
Calculability	محاسبه‌پذیری
Hyper-Calculability	محاسبه‌پذیری ماورایی
Slum	محلات سیاه / فقیرنشین
Evidence Base	مدرک‌محور
Civilisation	مدنی‌سازی
New Public Management	مدیریت عمومی جدید
Professional Managerialism	مدیریت‌گرایی حرفه‌ای
Ordinary People	مردم عادی
Ethnologist	مردم‌شناس
Cognitive Ethnologists	مردم‌شناسان شناخت‌گرا
Ethnology	مردم‌شناسی
Ethnic Boundaries	مرزهای قومی
Cyber-Centre	مرکز سایبری
Actants	مشارک
Human Actants	مشارک [در نقش] انسانی

Non-Human Actants	مشارک [در نقش] غیرانسانی
Citizen Participation	مشارکت شهروندی
Micro Studies	مطالعات خرد
Studies Of Folklore	مطالعات فولکلور
Ethnographic Studies	مطالعات قوم‌نگاری
Macro Studies	مطالعات کلان
Common Concepts	مفاهیم کلی
Explanatory Concept	مفهوم تبیینی
Remainder Categories	مقولات باقی‌مانده
Linguistic Categories	مقولات زبان‌شناختی
Residual Categories	مقولات سایر موارد
Separable Categories	مقولاتی تفکیک‌پذیر
All-Purpose Category	مقوله‌ای همه‌منظوره
Timescale	مقیاس زمانی
Linear Timescales	مقیاس زمانی خطی
Material Considerations	ملاحظات مادی
Nation-Building	ملّت‌سازی
Nationalism	ملی‌گرایی
Infrastructure Controversies	منازعات زیرساختی
No-Go Area	منطقه ممنوعه
Negativity	منفی‌بودگی
Increasingly Polarised Positions	مواضع دوقطبی‌شده فزاینده
Peoplehood Exists	موجودات مردمانه
Public Matter	موضوع / امر عمومی
Anthropological Fields	میدان‌های انسان‌شناختی
Dystopia	ناآرام‌شهر
Unfamiliar	ناآشنا
Economic Inequality	نابرابری اقتصادی
Abnormal	ناهنجار
Being Abnormal	ناهنجاربودن
Irrationality	نامعقولیت
Ad Hoc' Organisational Processes	نامعقولیت‌های برنامه‌ریزی
Elitism	نخبه‌گرایی
Crime Rate	نرخ جرم
Racism	نژادگرایی
Racialisation	نژادینه‌سازی / نژادگرایانه کردن

Belief-System	نظام - باور
Dominant Communicative System	نظام ارتباطی حاکم
Symbolic System	نظام نمادین
Belief System	نظام باور
Planning Systems	نظام‌های برنامه‌ریزی
Language Systems	نظام‌های زبانی
Different Classification Systems	نظام‌های طبقه‌بندی متفاوت
Anthropological Theory	نظریه انسان‌شناختی
Theory Of Planning	نظریه برنامه‌ریزی
Rational Theories	نظریه‌های [انتخاب] عقلانی
Natural Order Of Things	نظم طبیعی اشیا
National Order Of Things	نظم ملی اشیا
Folk Tunes	نغمه‌های قومی
Negativity	نگرش منفی
Symbol	نماد
Natural Symbol	نماد طبیعی
Normative Symbol	نماد هنجاری
Bar Charts	نمودارهای میله‌ای
Writing Culture	نوشتن فرهنگ
Mobilising Force	نیروی بسیج‌کننده‌ای
Development Dependency	وابستگی توسعه
Developmental Dependency	وابستگی توسعه‌ای
Welfare-Dependency	وابستگی - رفاه
Total Social Fact	واقعیت اجتماعی تام
Mantra Of Partnership	ورد مشارکت
Ideal Speech Situation	وضعیت آرمانی گفتار
Social Harmony	هماهنگی اجتماعی
Properly Socialised Neighbourhoods	همسایگان به‌درستی جامعه‌پذیر شده
Secular Theodicy	الهیات استدلالی سکولار

نمایه

- آردنر، ۱۸۹، ۱۹۰
آندرسون، ۵۲، ۵۷، ۲۶۲، ۳۱۸
آندرسون، بندیکت، ۷۲، ۵۲
آینده آرمانی، ۳۳۱، ۳۸۴
آینده معاصر، ۳۳۱، ۳۸۴
آینده نزدیک، ۳۳۰
باتسون، گرگوری، ۳۴، ۳۵
بارت، فردریک، ۶۱، ۳۵۴
بارکر، ۳۶
بتی، ۲۷۳
بدن اندیشنده، ۸، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۷۳، ۳۵۸
بدن زدودگی، ۱۳۲، ۳۸۶
براکس، آتار، ۳۳۱
براون، گوردن، ۳۶
برگ، فرانکن، ۶۱
برگلاند، اِوا، ۱۱
بلاخ، ماریوس، ۲۷۳
بوکیچ، ۱۴۱
اریکسون، توماس هیلانت، ۳۴۲
استاتویل، ۷۷
استپلی، ۱۴۳
اسقفِ راجستر، ۵۵
اسکات، جیمز سی، ۱۱۲
اسکفینگتون، ۲۹۲
اسمیت، آنتونی، ۷۲
اشتراترن، ماریلین، ۳۸، ۳۹، ۱۶۰، ۱۶۱
اشتراوس، لویی، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۵۳
امیبیا، ۳۵۲
انجمن پارک نورفالک، ۱۲
انجمن خانه‌سازان، ۳۲۳
ایالت تنسی، ۱۲۳
ایالت شراب، ۱۶۷
ایالت لینکلن، ۱۶۷
ایندیانوس، ۳۳۵
اینس، ۱۳۷
آبرام، سیمون، ۲، ۳، ۴، ۱۳، ۱۴۸
۲۹۴، ۳۸۰

- بولدو، آرچیم، ۳۱۲
 بوهانان، لورا، ۱۲۱
 بوهوم، ۳۴
 پاپوئای گینه نو، ۱۵۸
 پارک آهوی دوک نورفالدک، ۹۴
 پارک نورفالدک هریتیج، ۹۴
 پتیج، آلین، ۲۳۱
 پرورش توسعه، ۲۲۱
 پریچارد، اوانز، ۶۲، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۱
 پسااستعماری، ۶۴
 تارا، ۱۰۵، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱
 تاریخ برنامه‌ریزی، ۴۸
 تاسیگ، میشل، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۳۷۲
 تایلور، ای. بی.، ۵۸
 تبیین‌های برنامه‌ریزی، ۱۱۹، ۳۸۶
 تحقیقات برنامه‌ریزی، ۴۸، ۳۴۶
 ترنر، ۱۶۰، ۱۶۱
 تری، راون، ۲۰۵، ۲۵۰
 تغییر ریخت‌شناسی، ۹۷، ۳۸۶
 توسعه مالی - محور، ۳۷، ۳۸۷
 توماس، هو، ۱۱، ۴۸
 تونیس، ۶۶، ۸۴
 تیلور، ۱۱۰، ۳۶۷، ۳۷۱
 جادوی برنامه‌ریزی، ۷، ۱۵، ۸۵، ۱۰۸، ۳۴۵، ۳۸۷
 جونز، هو، ۲۳۷
 جین، ۱۲
 چیلترنر، ۱۶۷
 حکومت‌های نولیبرال، ۴۵
 خانه‌های سبز، ۱۱۲، ۳۶۸
 خیمنز، آلبرتو کورسین، ۱۱۳
 داگلاس، ماری، ۴۷، ۱۵۹، ۱۶۳، ۲۰۱
 دانش اجتماعی، ۱۱۳، ۳۸۸
 دانش برنامه‌ریزی، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴
 دانش جزئی، ۱۱۰، ۱۱۱، ۳۶۸
 دانش ضمنی، ۱۰۹، ۱۱۰، ۳۶۷، ۳۶۸
 دانش فارغ از بدن، ۱۳۲، ۳۸۸
 دانش محلی، ۱۱۳، ۱۳۶، ۱۵۷، ۲۱۵، ۳۸۸
 دانش مشترک، ۱۱۰، ۱۵۴، ۳۵۶، ۳۶۸
 دانش نظری، ۱۶، ۱۱۰، ۳۶۷
 دانشگاه اسلو، ۱۲
 دانشگاه آبردین، ۱۲
 دانشگاه ترومسو، ۱۵
 دانشگاه شفیلد، ۱۲، ۸۵
 دانشگاه منچستر، ۱۲
 دانشگاه هریوت وات، ۱۳۹
 دپارتمان جامعه محلی و حکومت محلی، ۲۱۴
 دره ایلسبوری، ۳۲۰، ۳۲۸، ۳۴۳
 درمانگران فرهنگی، ۵۶، ۳۸۸
 دفتر تأمین بودجه اروپا، ۲۲۸
 دفترهای دولتی معماری شهری شفیلد، ۹۷
 دکارت، ۳۷، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۹
 ۳۲۷، ۳۷۳، ۳۸۱، ۳۸۹
 دوره ویکتوریا، ۹۷
 دویش و دبوئک، ۱۳۴، ۱۴۵، ۱۵۱
 دی، پی.دبلیو.، ۹۷
 دیلی تلگراف، ۲۱۳

- ۲۰۸، ۲۲۸، ۲۴۸، ۲۶۸، ۲۹۸
سیاست‌گذاری حکومتی، ۳۵، ۲۵۹، ۲۸۷
سیتون، ۳۴۳
سیتون، پگی، ۱۲، ۲۳۰
شپرهیوز، ۱۵۹
شرکت بین‌المللی بزرگ جهانی، ۷۷
شرما و گوپتا، ۲۸۵
شناپر، ۲۷۸
شورای کمیته وزیران اروپا، ۲۵۷
شهروند آرمانی، ۲۵۶، ۲۶۹، ۲۹۲، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۹۰
شهروندی اجتماعی، ۲۷۶، ۳۹۰
شهروندی سیاسی، ۲۷۶، ۳۹۰
شهروندی مدنی، ۲۷۵، ۳۹۰
صندوق احیای املاک، ۹۶
عقلانیت مبنا، ۲۹، ۳۹۰
عقلانیت‌های برنامه‌ریزی، ۲۵، ۲۶، ۳۴، ۱۶۸
عقلانیت‌های مبتنی بر توسعه، ۲۹، ۳۹۱
عقلانیت‌های محیطی، ۱۵، ۲۹، ۳۹۱
فابرین، ۶۷
فاکس، گیت، ۵۱
فالودی، آندریس، ۴۷
فرایندهای سازمانی، ۳۲
فرگسون، ۶۹
فروم، اریک، ۳۰۱، ۳۰۸
فرهنگ برنامه‌ریزی، ۴۳، ۴۵، ۳۹۱
فرهنگ در برنامه‌ریزی، ۷، ۴۳، ۴۴، ۳۵۴، ۳۹۱
- رابرتسون، ۱۲۳، ۱۶۳، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱
رابینسون، مایک، ۱۲
راهبردهای مدیریتی، ۴۸، ۳۸۹
رژ، والریه، ۱۲
رژیم اقتصادگرا، ۳۶
رشد اقتصادی، ۲۷، ۱۳۳، ۲۶۵
رکس، ۷۴
روال‌های برنامه‌ریزی، ۱۵، ۳۶، ۱۱۸، ۱۹۶، ۳۰۶، ۳۲۲، ۳۴۲، ۳۴۹، ۳۸۹
روسو، ژان ژاک، ۳۱۷
ریپون، تیم، ۱۱
رید، اریک، ۸۹، ۳۵۱
ریل، ژیلبرت، ۶۳
ریلی، جوآن، ۲۳۱
زمان اجتماعی، ۳۴۲
زمان بازار و معامله، ۳۳۱، ۳۸۹
زمان تکراری و چرخشی، ۳۳۹، ۳۸۹
زمان زندگی، ۹۰، ۳۸۹
زندگی در مسیر ترمیم و بازسازی، ۱۲
زونابند، فرانسیس، ۳۴۲
ژئیر، ۱۳۴
ژل، آلفرد، ۳۹
ژل، سوزان، ۳۰۷
سادا، فاورت، ۱۴۱، ۱۴۲
سلامون، ۱۴۲
ساندروک، لئونی، ۵۶، ۱۳۷
سفرهای گالیور، ۶۵
سویفت، جاناتان، ۶۵
سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی، ۹۲، ۲۰۶

- فرهنگ سازمانی، ۴۶، ۲۱۴
 فرهنگ و برنامه‌ریزی، ۴۵، ۳۸۰، ۲۹۴
 فرهنگ‌های مبتنی بر محل کار، ۴۶، ۳۶۵، ۳۹۱
 فرهنگ‌های متمایز، ۴۹، ۳۹۱
 فریدمن، جان، ۴۷
 فوکو، میشل، ۲۶، ۱۷۵، ۳۶۳
 قبیلۀ باکوری، ۱۸۹
 کارگزاران حکومتی، ۳۷
 کارلی، میشل، ۱۳۹
 کامرون، ۱۸۹، ۲۰۲
 کاپو، ۱۶۰، ۱۶۱
 کدبری، ۲۰۵، ۲۵۰
 الکساندر، کترین، ۱۱، ۱۴۹
 کلین، ۱۰۱
 کمپانی موتور فورد، ۴۴
 کندی، جان، ۲۶۴
 کولی، روزلی، ۶۸
 کوهن، آنتونی، ۸۴
 گاپتا، ۶۹
 گالستد، ماریان، ۷۳
 گاورون، نیکی، ۲۰۶
 گروه جامعه‌المسلمین، ۲۶۸
 گری، ۲۰۵
 گفتار مثبت، ۱۴۰، ۳۹۲
 گلسون، ۹۷
 گلنر، ۲۶۲
 گوس، لاک کراور، ۱۳
 گیدنز، ۳۸
 گیرتز، کلیفورد، ۶۳، ۸۰
- لاتور، ۲۸، ۳۸، ۱۱۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۳۸، ۲۳۹
 لادردیل، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۰
 لاک، مارگارت، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴
 لوئیس پرات، ماری، ۶۴
 لیدز، ۹۶
 لیز لین، اینگر، ۷۴
 لیستر، راث، ۲۷۶
 لیما، ۳۳۱
 لیندبلوم، ۳۱
 لیورپول، ۶۲
 مارتین، کی‌یر، ۴۴
 مارشال، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۷۹
 مارکز، ۶۴
 مارین گولستد، ۵۵
 مالنزی، ۳۹، ۱۶۰، ۴۰۵
 مالدینوفسکی، برانیسلاو، ۶۹
 مانن، پی‌یر، ۳۱۹
 مدرسه عالی اقتصادی لندن، ۶۹
 مدیریت سازمانی، ۴۷
 مردم [قبیلۀ] زافیمیری ماداگاسکار، ۳۴۰
 مردوخ، جاناتان، ۱۳، ۲۵، ۲۶، ۳۶۳
 مرکز شهروند فعال، ۲۶۴
 مشیر، باکینگا، ۹۱
 مک نالتی، تونی، ۸۲
 مک‌دونالد، ماریون، ۵۳
 منچستر، ۱۲، ۹۶
 موریس، پارکر، ۲۰۵

- موس، مارسل، ۱۷۴
میدان اجتماعی (ان.پی.سی.اف)، ۱۰۵
میلتون، کی، ۳۷، ۲۳۴، ۲۴۸
ناتال، کالین، ۱۲
نرمن، ۲۷۲
نظم طبیعی ایشیا، ۱۵۸، ۳۹۴
نگاهی بر انگلیس، ۵۱
نگرش منفی، ۱۵، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۳۹۴
نهاد برتلمن، ۱۹۳
واحد احیای شهری، ۲۶۴
ولف، ۶۷
ونیر، مارگارت، ۱۲۶
وولارد، کاترین، ۳۰۷
وولجر، ۲۴۲، ۲۴۳
ویک، هالوارد، ۱۳، ۱۵۱، ۳۳۰
ویکن، یونی، ۷۴
- هابارد، جوآن، ۱۲
هابرماس، یورگن، ۱۳۷
هابزبام، اریک، ۷۲، ۳۱۱، ۳۶۶
هاگن، مونت، ۱۳۹، ۱۶۰
هاگنر، ۱۶۱
هانرز، یولف، ۳۵۳
هرزفلد، میشل، ۹۱
هرمین، ۱۲
هکینگ، یان، ۳۱۶
همبستگی اجتماعی، ۳۴
هوارد، ابنزر، ۲۰۴
هیدرو، ۷۷
هیلی، ۱۳۷
یانگ، ایرس، ۷۰
یانگ، ایریس ماریون، ۲۷۹
یونیتد فانس، ۶۲

تهیه کتاب با یکی از روش‌های زیر امکان‌پذیر است:

مراجعه به سایت انتشارات تيسا و خرید کتاب با ۱۰ درصد تخفیف

www.teesa.ir

نشانی:

مراجعه حضوری یا سفارش تلفنی:

۰۲۱-۳۳۹۹۹۴۲۳، ۰۲۱-۳۳۹۹۲۴۷۰

نشانی: تهران، بهارستان، ظهیرالاسلام، دیلمان، پلاک ۶، واحد ۳

مراجعه به مراکز پخش:

بخش ققنوس: میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، کوچه مبین، شماره ۲۳۳ ۰۲۱-۶۶۴۶۰۰۹۹

فروشگاه کتاب اختران: خیابان انقلاب، بازارچه کتاب ۰۲۱-۶۶۴۱۱۴۲۹



انتشارات تيسا

ناشر تخصصی علوم انسانی، علوم شهری و جامعه‌شناسی

- تهران، بهارستان، ظهیرالاسلام، دیلمان، پلاک ۶، واحد ۳
- شماره‌های تماس: ۰۲۱-۳۳۹۹۲۴۷۰ و ۰۲۱-۳۳۹۹۹۴۲۳
- www.teesa.ir • itesa@mail.com

نگاشت شهر ۵۰
فرهنگ و اجتماع ۲۶

نگارنده در این کتاب، به دنبال پروراندن نگاه انتقادی و ارائه سؤالات و دیدگاه‌های نظری بسیار متنوع و بینارشته‌ای درباره برنامه‌ریزی شهری است، تا خوانندگان (محققان، دانشجویان و مدیران شهری) بتوانند به کمک آن دیده‌ها را بشویند و با دیدی نو به مسائل شهر و برنامه‌ریزی شهری بنگرند. وی در پایان کتاب صریحاً اعلام می‌کند که هدف وی بررسی چگونگی برخورد با فرهنگ یا مدیریت تعارضات فرهنگی و مانند آن‌ها نیست، بلکه آغاز سفر فکری نامتعارفی است که خواننده را به شگفتی بکشاند و او را به دیگر گونه اندیشیدن وادارد.



انتشارات تیسرا

ISBN 978-600-6662-71-8



9 786006 662718

۱۵۰۰۰ تومان